

دو فصلنامه علمی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و دوم، دوره جدید، شماره ۲۹، پیاپی ۱۱۴، بهار و تابستان ۱۴۰۱
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۲۲۰-۱۸۳

تاریخ میان رشته‌ای و جایگاه آن در پژوهش‌های تاریخی^۱

سمیه عباسی^۲، هاشم ملکشاهی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

چکیده

حامیان «تاریخ میان رشته‌ای» با طرح این دیدگاه که رویکردهای اکتشافی-توصیفی به عنوان روش اصلی در پژوهش‌های تاریخی دیگر پاسخ‌گوی یک پرسش، حل یک مسئله یا پرتوافکنی بر حل یک موضوع پیچیده جوامع انسانی در چارچوب روش معرفتی خود نیست، باعث ایجاد بحث‌هایی در ساحت نظام دانشگاهی رشته تاریخ در ایران در موافقت یا مخالفت با این رویکرد شده‌اند که می‌توان آن را در سه دسته تقسیم‌بندی کرد. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر بررسی آماری است و می‌کوشد میزان مقالات میان رشته‌ای در مجلات علمی-پژوهشی مرتبط با گروه‌های تاریخی علمی کشور به عنوان نمایندگان تاریخ آکادمیک را بیابد و به دنبال پاسخ به پرسش جایگاه تاریخ میان رشته‌ای در پژوهش‌های تاریخی جهت بررسی ادعاهای مرتبط با این وضعیت است. طی سال‌های اخیر، حامیان رویکرد توصیفی و قائلان «کار ویژه» برای دانش تاریخ، با آنکه در تمام سال‌های شکل‌گیری تاریخ علمی در ایران، تسلط نسبی بر فضای آموزش و پژوهش این رشته دانشگاهی داشته‌اند و حتی از موانع عمده تغییر بنیادین برنامه درسی رشته تاریخ در سال‌های بعد از انقلاب فرهنگی بوده‌اند، با ایجاد فضای «نظریه‌هراسی» به بهانه یکتانگاری و حفظ استقلال علم تاریخ از دیگر شاخه‌های علوم انسانی، مانع تحول ساختاری در رشته تاریخ شده‌اند. آمار ۱۶ مجله علمی-پژوهشی تاریخی در یک بازه زمانی ۱۵ ساله که ۳۹۲۶ مقاله را به چاپ رسانده‌اند، نشانگر آن است که صرفاً ۴۸۹ مورد از این مقالات

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2023.41535.1626

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.20088841.1401.32.29.8.4

۲. دانش‌آموخته دکتری تخصصی تاریخ ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول). somayehabbasi179@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری تاریخ ایران، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران. hashemmalekshahi@gmail.com

پژوهش‌های «تاریخ میان‌رشته‌ای» محسوب می‌شوند. تعداد پایین مقالات میان‌رشته‌ای و به‌کار نبردن گسترده نظریات در این پژوهش‌ها، به‌عنوان مهم‌ترین داده آماری این پژوهش نیز گزاره‌ای برخلاف ادعای جریان مذکور، درباره برتری داشتن جریان حامی «تاریخ میان‌رشته‌ای» بر فضای علمی این رشته است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ میان‌رشته‌ای، مطالعات بین‌رشته‌ای، پژوهش‌های تاریخی، نشریات علمی-پژوهشی رشته تاریخ.

مقدمه

اغلب آثار تاریخ‌پژوهشی دانشگاهی به‌عنوان نمایندگان تاریخ علمی در ایران، متأسفانه در موضوع، مفهوم‌سازی علمی و روش انجام پژوهش، بر گزاره‌های سنتی روش‌های تحقیق متکی‌اند. همچنین با قائل شدن دانش تاریخ به‌عنوان ابزاری برای «توصیف فربه درباره گذشته انسانی»^۱، به‌نوعی مأموریتی یکتاانگارانه برای این علم متصورند، درحالی‌که علم تاریخ، عام‌ترین مقیاس در پهنای زمان و مکان برای توصیف و تحلیل زندگی انسان‌هاست و منحصر به گذشته و وقایع مرتبط با آن نخواهد بود، بلکه سطحی فراگیر از پیوند گذشته، حال و آینده را شامل می‌شود؛ لذا جهت کاربست این دانش برای توصیف، تحلیل و تبیین رویدادهای جوامع انسانی، به‌ویژه در حیطه تاریخ معاصر، نیازمند تجهیز دانش‌آموختگان این رشته علمی به دانش‌های معرفتی و ابزارهای روشی است.

تاریخ‌نگاری به بیان نجم‌آبادی اغلب پس از روی دادن «وقایع تاریخی» برای نظم دادن به این اتفاقات و معنابخشی به توالی این رویدادها انجام می‌گیرد (نجم‌آبادی، ۱۳۸۱: ۲۴۱) و روش‌های توصیفی محض، به‌عنوان روش اصلی در پژوهش‌های تاریخی، دیگر شرط لازم برای جواب دادن به یک پرسش، حل یک مسئله یا پرتوافکنی بر حل یک موضوع پیچیده جوامع انسانی در چارچوب روش معرفتی خود نیست و بهتر آن است که از تاریخ میان‌رشته‌ای به‌عنوان معرفتی بهره‌بردار که از روش‌ها و نظریات و مفاهیم یک یا چند رشته دیگری غیر از تاریخ نیز استفاده می‌کند.

در ساحت نظام دانشگاهی رشته تاریخ در ایران، معتقدان به برتری روش توصیف در پژوهش‌های تاریخی و قائلان به نظریه‌محور کردن دانش تاریخ با تأکید بر پایه‌ای قلمدادکردن توصیف و جمع‌آوری داده در کار مورخان، دو موضع فکری کلان، مشخص و قابل ردیابی‌اند: رویکرد اول، ضمن یکتاانگاری ویژه در هدف علم تاریخ، تلاش گروه دوم را مسئله‌ای

۱. برای اطلاعات بیشتر (نک. حضرتی، ۱۳۹۹: ۸۷).

نگران‌کننده برای استقلال و یکتایی موضوع دانش تاریخ می‌داند و گروه دوم نیز وضعیت حاشیه‌ای رشته تاریخ در ایران را به دلیل عدم التفات گروه‌های علمی و دانشگاهی آن به رویکردها و روش‌های نوین و جداسدن آن از روش‌های جدید می‌پندارد و راه برون‌رفت از بحران موجود را در جدی‌گرفتن مطالعات میان‌رشته‌ای و مجهزکردن دانشجویان این رشته به ابزارها و روش‌های دیگر معرفت‌های علمی کاربردی در تحقیقات تاریخی می‌داند؛ گروه سومی نیز در میانه این دو رویکرد با وام‌گرفتن از محاسن هر دو سمت، بر گذر از این تقسیم‌بندی‌ها تأکید دارند.

مباحث مطرح‌شده در فوق درباره دیدگاه‌های حاضر در نظام آکادمیک رشته تاریخ در ایران که می‌توان آن را در زیرمجموعه مباحث مرتبط با پارادایم معرفتی این رشته علمی دانست، خود مرتبط با مباحثی مشابه در فضای جهانی حوزه علم تاریخ به صورت خاص و علوم انسانی به طور عام است که در بخش بعدی پژوهش به صورتی جامع بدان خواهیم پرداخت.

مسئله پژوهش حاضر، نه بررسی فرایند این مباحث در ایران و نه در بعد جهانی آن است، لذا پرداختن به آن‌ها نیز صرفاً ضرورت معرفتی این پژوهش بوده است. تحقیق پیش‌رو، ضمن تأمل در نظریات موجود، منتقد تفریدی دیدن تاریخ و آن را صرفاً علمی برای توصیف گذشته انسانی دانستن است. از دیدگاه نگارندگان این مقاله، نظریه آزمایشی یا نظریه پردازی غایت علوم تعمیمی دیگر چون علوم سیاسی و جامعه‌شناسی نیست، بلکه ابزاری است برای پاسخ به مسائل و بحران‌ها و تحلیل شرایط جامعه؛ لذا علم تاریخ با قابلیت جمع‌آوری و توصیف داده‌های معتبر بر پایه دانش خویش و استفاده از مفاهیم، رویکرد و نظریات دیگر رشته‌های علوم انسانی که البته برخی از آن‌ها نیز مختص رشته‌ای خاص نیست، بهتر از دیگر شاخه‌های حوزه علوم اجتماعی قادر به توصیف، تحلیل و تبیین رویدادهای جامعه چه در گذشته و چه در حال، برای کمک به برنامه‌ریزی آینده‌ای مطمئن‌تر خواهد بود؛ مسیری که به طراحی نظریه از دل مطالعات تاریخی نیز خواهد انجامید.

مسئله پژوهش پیش‌رو، بررسی جایگاه «تاریخ بین‌رشته‌ای» در پژوهش‌های تاریخی مبتنی بر بررسی آماری میزان این مقالات در مجلات علمی پژوهشی مرتبط با گروه‌های آموزشی تاریخ در دانشگاه‌های مختلف کشور و پژوهشکده‌های مرتبط با این رشته به عنوان نمایندگان تاریخ علمی کشور در کنار توجه به دیدگاه استادان مطرح این حوزه در این ارتباط است.

در این پژوهش با رویکرد توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از روش‌های آماری و مصاحبه‌ای جهت دستیابی به داده‌های آغازین، تلاش شد تا با در نظر گرفتن یک بازه زمانی حدوداً ۱۵ ساله، ۱۶ مجله علمی پژوهشی تاریخی از منظر دارا بودن تعداد مقالات بین‌رشته‌ای بررسی شود.

پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، پژوهش‌های علوم تاریخی، نشریه تاریخ اسلام و ایران، نشریه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، دو فصلنامه جستارهای تاریخی، مجله تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهش‌های تاریخی، فصلنامه مطالعات تاریخی جنگ، پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایران، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی، فصلنامه مطالعات تاریخ ایران بعد از اسلام، فصلنامه تاریخ و فرهنگ، مجله تاریخ ایران، پژوهش‌نامه تاریخ تمدن اسلامی و مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، مجلاتی‌اند که با تکیه بر سامانه اینترنتی، ابتدا تعداد مقالات آن‌ها در بازه زمانی ذکر شده، تعداد مقالات بین‌رشته‌ای و همچنین آمار مؤلفان اول مقاله و وابستگی دانشگاهی آن‌ها شناسایی شده است.

در واقع، هدف از استخراج این آمار زمان‌بر که با یک کار تیمی حدوداً نه ماه به طول انجامید، پاسخ به این پرسش است که جایگاه مطالعات میان‌رشته‌ای در پژوهش‌های تاریخی چگونه است و در صورت بی‌توجهی به این ضرورت روز دانش تاریخ با تکیه بر داده‌های مذکور، روش‌های کارآمد جهت آموزش آن به اهل تاریخ و کمک به گذر از بحران فعلی رشته تاریخ چیست؟

درباره مسئله پژوهش حاضر و پرسش‌هایی که قصد پاسخ‌گویی به آن را دارد، با تکیه بر جامعه آماری هدف تاکنون تحقیقی انجام نشده و از این منظر دارای نوآوری است؛ هر چند خود بحث تاریخ و همکاری‌های میان‌رشته‌ای موضوع و دغدغه برخی استادان و دانش‌آموختگان این حوزه بوده و همایش‌هایی نیز در چند سال اخیر در این باره برگزار شده که پژوهشکده تاریخ اسلام آن‌ها را به صورت دو کتاب مجموعه مقالات همایش تاریخ و همکاری‌های میان‌رشته‌ای و گفتارهایی درباره تاریخ و همکاری‌های میان‌رشته‌ای به چاپ رسانده و برخی از مقالات آن‌ها در بخش‌هایی از این پژوهش یاری‌رسان مؤلفان تحقیق حاضر بوده است.

تاریخ میان‌رشته‌ای؛ چستی و تاریخچه آن در جهان و ایران

مطالعات میان‌رشته‌ای گونه‌ای از علوم است که بعد از آشکار شدن ضعف‌ها و کاستی‌های تخصصی شدن به رشته‌های تخصصی ریز، ضرورت یافته است. این اندیشه و طرح بر وحدت و یکپارچگی علوم در حوزه‌های فلسفه، علوم طبیعی، علوم ریاضی و علوم انسانی تأکید می‌ورزد. فلسفه پیدایش علوم میان‌رشته‌ای از سویی، در واقعیات عینی و ظهور پدیده‌های منفرد اما چند وجهی و پدیده‌هایی ریشه دارد که تبیین هم‌زمانی، مشکل‌شناسی میان‌رشته‌ای، راه‌حل‌شناسی میان‌رشته‌ای و اقدام همگانی و فراگیر را می‌طلبید. از سوی دیگر، در مجادلات نظری و نقد

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۱ / ۱۸۷

روش‌شناسی تجزیه و ترکیب و علوم پوزیتیویسمی ریشه دارد. این‌گونه مطالعات هم محدودیت‌ها و کاستی‌های روش تجزیه‌گرایی و تخصص محوری را برطرف می‌کند و هم ظرفیت‌ها و امکانات پژوهشی جدیدی برای حوزه‌های مختلف علوم فراهم می‌آورد (برزگر، ۱۳۸۷: ۳۷).

در تعاملات میان‌رشته‌ای، شرط لازم وجود ترکیبی و مشارکت دو یا چند رشته تخصصی است تا پدیده‌های مشترک در مرزهای حاصل‌خیز دو رشته مطالعه شوند، اما این اقدامات کافی نیست؛ شرط کافی، ترکیب این یافته‌های تخصصی در یکدیگر به نحوی است که جداسازی آن‌ها از یکدیگر ناممکن و شناسایی ناپذیر باشد؛ نوعی «تضارب آرا» به گونه‌ای است که آنچه به دست می‌آید، نه اولی و نه دومی، بلکه سنتزی دیالکتیکی و نوعی شناخت جدید است (همان: ۳۹).

پیدایش این علوم مدیون تحولات مرتبط با تغییر روش و چگونگی درک ذات جهان است که با چرخش از روش قیاسی به سمت استقرایی و تجربی بیان می‌شود. طلیعه‌دار این تغییر را می‌توان در دیدگاه فلسفی دکارت جست‌وجو کرد که به بیان سولومون دیدگاه اول شخص وی را باید جنبش روح زمانه‌اش دانست (سولومون، ۱۳۷۹: ۲۰). زمانه‌ای که با انقلاب‌های بزرگ صنعتی و سیاسی، شتاب بیشتری به این تحولات داد. به‌دنبال طرح مسائل جدید، نیازهای جدید، رشته‌های گوناگون علمی را ایجاد کرد؛ بنابراین به‌طور مرتب، از دایره دانش کاسته می‌شد و دایره‌های جدیدی با عنوان رشته‌های تخصصی جدید شکل می‌گرفت (همان: ۴۰).

امروزه واژه «میان‌رشته‌ای» به واژه‌ای مرسوم برای اعضای تمامی رشته‌های علمی تبدیل شده و در مباحث متعدد با آن مأنوس شده‌اند و معمولاً برای اشاره ضمنی به مقوله‌ای مطلوب استفاده می‌شود؛ چیزی که به‌دست آوردن آن در تدریس و پژوهش بسیار ارزشمند است (هورن، ۱۳۹۵: ۴۳).

حسین مصباحیان با تکیه بر منابع مطالعاتی خویش ضمن تفکیک بین «مطالعات چندرشته‌ای» و «مطالعات بین‌رشته‌ای»، گزینه دوم را رشته‌ای در مقابل رشته‌های تخصصی سنتی چون تاریخ، جامعه‌شناسی، فلسفه و علوم سیاسی می‌داند و درباره چگونگی شکل‌گیری و گسترش آن می‌نویسد: «این رشته که بعضی‌ها، در مضمون، ریشه آن را به فلسفه یونان برمی‌گردانند اصولاً در قرن بیستم پدید آمد. تاریخ واقعی تأسیس این رشته به سال ۱۹۴۴ و به دانشگاه میشیگان بر می‌گردد» (مصباحیان، ۱۳۹۲: ۴۰۸-۴۰۷). او پیدایش این رشته را بی‌ارتباط با مسائل ناشی از جنگ جهانی دوم نمی‌بیند و بر این اعتقاد است که «جنگ در واقع مسائلی ایجاد کرده بود که هیچ‌یک از رشته‌های تخصصی نمی‌توانستند از عهده پاسخ‌گویی به آن

برآیند» (همان: ۴۰۸).

مسئله‌ای که در پژوهش‌های تاریخی نیز می‌توان ردیابی کرد، همین نکته ذکر شده در ناتوانی پاسخ‌گویی روش‌های سنتی این دانش به آن مسائل است؛ لذا می‌توان «تاریخ میان‌رشته‌ای» را پژوهشی تاریخی دانست «که روش‌ها و مفهومی‌های یک یا چند رشته دیگر غیر از تاریخ را مورد استفاده قرار می‌دهد» (هورن، ۱۳۹۵: ۴۳۲) تا مسائل و موضوعاتی از تاریخ را که در حیطه این دانش نمی‌توان پاسخ دقیقی به آن داد، از طریق کمک و بهره‌گیری از روش مطالعات بین‌رشته‌ای خوانشی متفاوت از آن بیان شود که این امر خود نیازمند عدم تفریدی دیدن علم تاریخ و در انداختن طرحی نو در ساحت معرفت‌شناسی و هستی‌شناختی آن، ضمن تأکید بر ویژگی‌های یکتانگارانه آن است.

در ضرورت بهره‌گیری دانش تاریخ از دیگر معرفت‌های حوزه علوم انسانی، در بُعد جهانی این مباحث از همان نیمه‌های دوم قرن هجدهم و اندیشه‌های افرادی چون ویکو قابل ردیابی است. همچنین کسانی چون کارل مارکس و ماکس وبر از پیشروان تأکیدکننده در این امر بودند و آن‌ها با همین شأن تاریخی خویش به طرح مسئله و نظریه‌پردازی پرداختند. هر چند بعدها «از اواخر قرن نوزدهم به بعد، با ظهور نگرش پوزیتیویستی به علوم و سیطره و غلبه این نگرش بر اکثر رشته‌های علوم، این قرابت و خویشاوندی یا همگرایی و همکاری بین تاریخ و علوم اجتماعی [و درحقیقت بین پژوهش‌ها و تحقیقات اجتماعی و تاریخی] ناگهان وضعیتی پیچیده و دشوار به خود گرفت» (نوذری، ۱۳۸۳: ۱۸۲).

این پیچیدگی‌ها که بخشی از رویکرد آن به فلسفی‌دیدن علوم مختلف باز می‌گشت، باعث توقف تلاش پژوهشگران جهت ایجاد همگرایی بین‌رشته‌ای در حوزه‌های مختلف علوم انسانی نشد، اوج این تلاش‌ها را می‌توان در آثار مورخان چند نسل مکتب آنال به‌عنوان نمونه‌های موفق مطالعات «تاریخ بین‌رشته‌ای» نام برد و همچنین آثار نویسندگانی چون آیزنشتاد، برینگتون مور، ایمانوئل والرشتاین، چارلز تیلی و پیر بوردو.

ضرورت همگرایی بین‌رشته‌ای یا تأکید بر حفظ استقلال علم تاریخ از دیگر حوزه‌های علوم انسانی همان‌گونه که در مقدمه پژوهش ذکر شد، در ساحت نظام دانشگاهی رشته تاریخ در ایران نیز به‌مانند مباحث کلان جهانی این حوزه، باعث ایجاد دیدگاه‌های متفاوت شد که می‌توان آن را در سه سطح کلان تقسیم‌بندی کرد.

گروه نخستین یا حامیان جریان توصیف که شاید بتوان نماینده مشخص آن را حسن حضرتی به‌دلیل پرداختن روشمند به این مبحث دانست، مطالعات میان‌رشته‌ای را کاری در مرتبت دوم و ثانویه می‌پندارند؛ آن‌هم به شرطی که در کار اصلی مورخ خللی ایجاد نکند

(حضرتی، ۱۳۹۹: ۸۱).

این دیدگاه ضمن انتقاد به اکثر تحقیقات و رسالات دانشگاهی سال‌های اخیر، آن‌ها را «تقلیدهای ناشیانه از رویکردهای نظریه‌آزمایی در علوم تعمیمی» (همان: ۷۶) می‌پندارد که دلیل تنظیم طرح‌نامه‌های آن‌ها در این مسیر، دانشجو را «دانسته یا نادانسته، به سمت نظریه‌آزمایی سوق» (همان) می‌دهد، لذا «آزمون نظریه بیش از داده‌شناسی و توصیف فربه اهمیت پیدا می‌کند و محوریت پژوهش در عمل با آزمون نظریه است و نه توصیف عمیق و گسترده. رویه‌ای که در جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و دیگر علوم تعمیمی همواره دنبال می‌شود؛ زیرا غایت آن علوم نظریه‌پردازی یا نظریه‌آزمایی است» (همان: ۷۷).

او اختلاف نظر خود با قائلان به مطالعات تاریخ «نظریه‌محور» را اختلافی بنایی می‌داند نه مبنایی که دلیل آن گفت‌وگو نکردن و نداشتن مطالعه دقیق نوشته‌های مکتوب یکدیگر است. حضرتی خود را نه مخالف نظریه، بلکه منتقد رویکرد آموزشی غلط در رشته تاریخ می‌داند و بر این دیدگاه است که این مخالفت در تضاد با نظریه و روش نیست؛ زیرا خود آثاری آکادمیک و مبتنی بر کاربست مفاهیم و روش دارد.

او بر این دیدگاه است که در رشته تاریخ باید بر ارتقای کارایی آن با تمرکز بر «کار ویژه» آن عمل کرد. از دیدگاه حضرتی «کار ویژه دانش تاریخ این است که مبتنی بر داده‌های معتبر برای ما از گذشته توصیف موثق ارائه کند؛ کاری که دیگران نمی‌توانند» (مصاحبه با حسن حضرتی، مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۷).

وی ضمن قائل بودن بر سهل‌الوصول نبودن گذشته، کار خود را به‌عنوان یک مورخ رسیدن به حقیقت می‌داند و بر این دیدگاه است که «تاریخ‌ورز اگر این اعتقاد را نداشته باشد که باید به سمت رسیدن به حقیقت برود، پس تاریخ‌ورز نیست. ما در مطالعات تاریخی واقعاً اگر به این نرسیدیم که توصیف گسترده به چه دردی می‌خورد، مورخ نشده‌ایم یا تاریخ‌ورزی نکرده‌ایم؛ چون که چگونگی اتفاق افتادن وقایع مهم‌ترین هدف ما در بررسی تاریخی است» (همان).

حضرتی با تفاوت قائل شدن بین روش و نظریه، مثلث روش، نظریه و مهارت را عامل موفقیت اهل تاریخ برای تبدیل تاریخ از دانشی عامه به دانشی خاصه می‌پندارد و برای گذر از این شرایط با طرح ایده «توصیف فربه» و قائل شدن کار ویژه برای تاریخ‌ورزان بر این دیدگاه است که در سال‌های بعد از انقلاب، سلطه و اتوریتة علمی هاشم آقاجری و سرریز شدن شاگردان او به‌عنوان استاد به دپارتمان‌های تاریخ کشور از جمله خود او در زمانی، باعث تسلط رویکرد مطالعات «تاریخ میان‌رشته‌ای» شد.

از نظر او، این فضا دارای فوایدی بود، «اما اتفاقی را رقم زد که بسیار خسارت‌بار بود.

تبعات خسارت‌باری داشت. نه اینکه دکتر آقاجری تعمداً چنین برنامه‌ای داشته باشند، اما عملکرد ایشان باعث این تبعات شد. به نظرم خود دکتر آقاجری هم باید به عقب برگردند و بگویند چهل سال این‌گونه کار شد و نتیجه آن چیست، اما نتیجه چیست؟ تاریخ از معرفت خاصه به معرفت عامه تبدیل شد. شما دانش‌آموخته تاریخ با مجموعه‌ای از اطلاعات فارغ‌التحصیل می‌شوید که نسبت به موضوعات معرفت عامه دارد نه خاصه، یعنی چه؟ پرس‌وجو کنید از منابع و همان را ارائه بدهید. این می‌شود معرفت عامه. ما این را در نظام آموزشی یاد دادیم و چیزی از آن در نیامد. او بر این دیدگاه است که هم در نمونه‌های داخلی این حامیان اثر تولیدی مشخصی وجود ندارد و هم در نمونه‌های خارجی. در نهایت، کار حامیان داخلی انجام ترجمه‌های درخشان است (همان).

محسن رحمتی نیز ضمن توجه به ضرورت کاربست دیگر دانش‌ها در تحقیقات تاریخی، خود را از هواداران «توصیف فربه» می‌داند. او بر این دیدگاه است که به دلیل فقر منابع درباره تاریخ ایران پیشامشروطه، نمی‌توان به قطعیت لازم درباره سیر حوادث رسید. «داده‌های بریده‌بریده نارس‌تر از آن‌اند که بتوان مشابهت و نزدیکی آن را به یک تئوری خاص تشخیص داد و به همین دلیل نمی‌توان آن‌ها را براساس تئوری‌ها و نظریات خاص تدوین و تحلیل کرد، مگر با استفاده از چندین تئوری»؛ لذا بهتر آن است که ضمن استقلال رشته تاریخ از دیگر رشته‌های علوم انسانی، برای عصر پیشامشروطه از توصیف فربه استفاده کرد و برای دوران معاصر به استفاده از نظریات با حفظ شرط و شروطی روی آورد و از این ضرورت روز رشته تاریخ غافل نماند (مصاحبه با محسن رحمتی، مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۲۵).

ذکر این نکته ضروری است که در واقع آغازکننده این مباحث، قائلان به تحول در تاریخ آکادمیک با تئوریک‌کردن مطالعات تاریخی بودند که از سال‌های آغازین دهه هفتاد شمسی، بر ضرورت تغییر در روش و بینش تاریخ و پیاده‌سازی علمی آن تأکید داشتند. هاشم آقاجری طی سه دهه اخیر با ارائه سخنرانی‌ها، مقالات و البته ترجمه‌هایی مهم در حوزه تاریخ و نظریه، نقش ممتاز و بی‌بدیلی در این گروه دارد و می‌توان او را به‌نوعی پیشرو این مباحث در حوزه دانش تاریخ در ایران دانست. آقاجری با صراحت از علاقه خود به تاریخ بین‌رشته‌ای یاد می‌کند و می‌گوید: «علاقه شخص خودم در رشته تاریخ علایق بینارشته‌ای بوده و همچنان هست و هیچ‌وقت علاقه‌ای به مطالعه تاریخ به‌شکل سنتی، روایی صرف و غیرتئوریک نداشته‌ام» (URL1).

او بر این دیدگاه است که «تکرار مداوم و نقالانه تاریخ مربوط به سلطان محمود غزنوی و نادرشاه افشار دیگر هیچ فایده‌ای ندارد» (همان) و دانش تاریخ در ایران نیازمند تحول است

(همان).

او مطالعه تاریخ با رویکرد تئوریک را بحثی مرتبط با خود رشته تاریخ می‌داند. وی با بیان این نکته که «در هیچ جای دنیا مورخ امروز نمی‌تواند با همان دستگاه‌ها و چارچوب‌ها و روش‌های پیشامدرن دیگر تحقیق تاریخی بکند» بر این نظر است که این مباحث، مباحث درون‌رشته‌ای تاریخ است و مطالبی مرتبط با حوزه معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و روش‌شناسی تاریخ است. او با تأکید بر پیوند روش و نظریه با یکدیگر و عدم تفکیک میان آن‌ها، از منتقدان تاریخ تئوریک این پرسش را دارد که اگر نمی‌خواهید به همان روش تاریخ‌نگاری طبری، ابن‌اثیر و اسکندر بیک منشی و سپهر تاریخ‌نگاری کنید بفرمایید این تحول چگونه باید اتفاق بیفتد (مصاحبه با سیدهاشم آقاجری، مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۳).

استاد کرسی تاریخ ایران در دانشگاه تربیت مدرس، بر این نظر است که برای وقوع این تحول ابتدا باید فهم ما از تاریخ، معنا و مفهوم آن، مبنای هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی آن، مبانی ایدئولوژیک تاریخ، رابطه فاعل شناسایی با موضوع شناسایی، بحث زبان و واقعیت، بحث کلمات و اشیا، بحث جهان تاریخی و اینکه این جهان چه الزاماتی دارد و ما باید با آن به چه نحو روبه‌رو شویم، مورد پرسش و بازبینی قرار گیرد. او این فرایند را لازمه مدرن‌شدن مطالعات تاریخی می‌داند که بخشی مهم از آن را متکی بر شناخت از تحولات جهانی رشته تاریخ می‌پندارد (همان).

آقاجری منتقدان نظریه‌مند شدن تاریخ را اغلب کسانی می‌داند که نه تنها از تحولات و تاریخ رشته تاریخ در ایران آگاهی ندارند، بلکه به دلیل نداشتن شناخت کافی از تحولات جهانی آن، ادعاهایی را مطرح می‌کنند که بسیار تأسف برانگیز است. او با ذکر نمونه‌هایی چون آثار ابن‌خلدون، مارکس و ماکس وبر، تیلی و با معرفی مکتب‌های تاریخ‌نگاری چون آنال، تاریخ‌نگاری پست کلونیا، تاریخ‌نگاری سابالترن و تاریخ‌نگاری فمینیستی به‌عنوان موردهای موفق تاریخ تئوریک، تاریخ را پایه تئوری بیلدینگ می‌داند و می‌گوید چرا باید مبلغ این تفکر اشتباه باشیم که تاریخ نیازمند گرفتن تئوری از رشته‌های دیگر است؟! در حالی که مورخان و دانش تاریخ خود در این زمینه پیشرو هستند (همان).

او ضمن انتقاد بر قائل شدن کار ویژه برای تاریخ و تاریخ‌ورزان و تقلیل دادن مورخان به عمل‌های دیگر رشته‌های علوم انسانی، منتقدان تاریخ تئوریک را برای دوری‌جستن از استدلال‌های نادرست به مطالعه هیستوریک‌ترم فرامی‌خواند و می‌گوید: «ما از دهه ۶۰ قرن بیستم به بعد یک چرخش تاریخی در تمام علوم اجتماعی و علوم انسانی داشتیم؛ یعنی تاریخ تأثیر گذاشته روی تمام رشته‌های دیگر و ادبیاتی به وجود آورده که امروز مشهور به چرخش

تاریخی در علوم انسانی و اجتماعی است؛ یعنی فقط چرخش زبانی نیست، چرخش تاریخی است. در مردم‌شناسی این چرخش تاریخی اتفاق افتاده است. خود گیرتز نمونه‌اش است. کارش یک آنتروپولوژی تاریخی و تفسیری است. در اقتصاد اتفاق افتاده است. نظریه داگلات نورث را بدون تاریخ نمی‌توانید بفهمید. در جامعه‌شناسی که خیلی روشن است، جامعه‌شناسی تاریخی، در زبان‌شناسی، روان‌شناسی، جغرافیا و علوم سیاسی این چرخش‌ها اتفاق افتاده است. همه این‌ها در این چند دهه گذشته گرفتار یک چرخش تاریخی شده‌اند و حالا عجیب این است که در ایران عده‌ای از موضع رشته تاریخی نه تنها مخالفت می‌کنند با این چرخش‌ها بلکه حتی مخالفت می‌کنند با اقتضائات مدرن شدن رشته تاریخی در ایران» (همان).

ایشان ضمن قائل شدن بر موانع سیاسی، اجتماعی و امنیتی در زمینه گفت‌وگوی علمی در ساحت نظام دانشگاهی ایران، گفت‌وگو را امری می‌داند که طرفین مدعی «باید آگاهی‌های آن‌ها نسبت به میدان آن قدری باشد که بشود گفت‌وگو کرد» و در این زمینه ضمن اظهار خوشبختی از داعیه‌دار شدن دانشجویان دیروز خود، بر این دیدگاه است که مخالفت علمی باید مبتنی بر یک مطالعه جامع علمی باشد و منطق آن مخالفت و اظهار نظر بر پایه محکمی استوار باشد (همان).

هاشم آقاجری فقر نظری تاریخ‌ورزان ایرانی را منهای برخی استثنائات، از عوامل مهم انحطاط رشته تاریخ در ایران می‌داند و بدفهمی و ناآگاهی آنان از تاریخ رشته تاریخ را در این مسئله مهم می‌پندارد. او ضمن انتقاد به قائلین فربه‌نمودن توصیف‌های تاریخی و اینکه دیدگاه ایشان در قائل شدن بر کار ویژه مورخان، اهل تاریخ را به عمل‌ها و فعله‌های دیگر حوزه‌های علوم انسانی تبدیل خواهد کرد، بر این دیدگاه است که اغلب این افراد خود به نظریه آلوده‌اند. وی اصطلاح «توصیف فربه» را که اخذ و اقتباسی از یک نظریه‌پرداز آنتروپولوژی و یک انسان‌شناس تفسیری و واضح یک نظریه هرمنوتیکی است، به‌عنوان مثالی در این باره ذکر می‌کند. وی Thick Description مدنظر گیرتز را که نظریه‌ای تفسیری هرمنوتیکی است، در تضاد با تاریخ توصیفی، نقلی و کرنولوژیک می‌داند و موضوع آن را نوعی شناخت از جامعه می‌داند که موضوع کار مردم‌شناسی است که اتفاقاً رویکرد غیرپوزیتویستی دارد و نظریه‌ای است که نمی‌توان از آن با برداشت اشتباه به تقابل با تاریخ تئوریک رفت (همان).

حامیان نظریه‌محور کردن مطالعات تاریخی، منهای هاشم آقاجری، در دانشگاه‌های مختلف دارای نمایندگان برجسته‌ای هستند که در کلاس‌های درس، در راهنمایی رساله‌ها و در سخنرانی‌ها و مقالات خویش ضمن تأکید بر ویژگی توصیفی دانش تاریخ به‌عنوان یکی از

خصوصیات آن، قائل به استفاده از نظریه، مفاهیم و روش‌های دیگر علوم در کاربردی‌تر کردن پژوهش‌های تاریخی به‌مانند علوم‌ی چون جامعه‌شناسی و علوم‌سیاسی هستند. علی‌محمد ولوی، داریوش رحمانیان، علیرضا ملایی‌توانی، فرهاد دشتکی‌نیا، بهزاد کریمی و قباد منصوربخت را می‌توان در زمره این جریان فکری معرفی کرد.

برای مثال، ملایی‌توانی ضمن تأکید بر کاربرد نظریه در تحقیقات تاریخی، در نشست «علوم تاریخی و مسئولیت اجتماعی»^۱ با نقد دیدگاه اول و البته با تأیید کار مورخان در جمع‌آوری داده‌ها که کاری بنیادی است، بر این نظر است که توقف در این جایگاه «ظلم بر تاریخ و دانش تاریخ است و مانع ورود مورخان به عرصه‌ها و موضوعات متعددی است که در حال شکل‌گیری می‌باشد» (URL6)، لذا «همچنان که دانش تاریخ عرصه‌ای است برای فهم و کشف واقعیت‌ها و حقایق نسبی در گذشته، به همان نسبت باید میدان و مجال به ما بدهد که وارد مناقشه‌های نظری و مفهومی درباره تئوری‌ها و نظریه‌هایی شویم که دیگران پیرامون مسائل اجتماعی و جامعه انسانی و گذشته تاریخی تولید کرده‌اند تا بدانیم در کجا ایستاده‌ایم، از کجا آغاز کرده‌ایم و مسئله‌های ما کدام‌اند» (URL4).

ایشان وضعیت دانش تاریخ در ایران را با وجود اختلال و کژکارکردی در همه اجزای آن، نه وضعیت بحرانی، بلکه در «مسیر بحران» می‌داند که هنوز البته دستخوش بحران سیستمی و فراگیر نشده است (ملایی‌توانی، ۱۳۹۸: ۲۳۱) و مطالعات میان‌رشته‌ای را فرصتی برای استفاده از تجربه‌ها، روش‌ها و دستاوردهای علوم کمکی برای شناخت ابعاد چندلایه و هزارتوی تاریخ ایران می‌پندارد (ملایی‌توانی، ۱۳۹۸: ۲۷۸).

قباد منصوربخت از دیگر نمایندگان این جریان فکری، کارنهایی علم را تبیین می‌داند و بر این نظر است که «علم یعنی کسی بتواند روابط بین متغیرها و امور را توضیح دهد» (URL3). او ضمن ردّ تقریدی بودن علم تاریخ، معتقد است ضرورت به‌کارگیری نظریه در تحقیقات تاریخی «ضرورت تاریخ» است؛ ضرورتی که به‌دلیل تغییر و تحولی که در دوران جدید در تاریخ بشر به وجود آمده، ایجاد شده است (URL2).

بهزاد کریمی با نقد چارچوب نظام آموزش دانشگاهی تاریخ در ایران، بر این دیدگاه است که پارادایم مسلط بر این ساختار، دستیابی به حقیقت تاریخی را برای خود سهل‌الوصول کرده و «مدعی است تاریخ به‌سادگی «آنجا» ایستاده و منتظر است تا با اتخاذ منابع و روش‌های «درست» توسط مورخان، فراچنگ آید» (کریمی، ۱۴۰۰: ۵). او قائلان به این جریان سنتی را گروه «ارتدوکس» می‌داند که با شعار «تاریخ برای تاریخ» به جنگ با نظریه برخاسته‌اند (همان).

۱. علیرضا ملایی‌توانی (۱۳۹۹)، سخنرانی در پلن «علوم تاریخی و مسئولیت اجتماعی» (URL6)

فرهاد دشتکی‌نیا نیز ضمن تأیید استفاده از توصیف در برخی پژوهش‌های تاریخی که گزارش تاریخی مستندی درباره آن‌ها وجود ندارد، منتقد رویکرد توصیف فربه است و حامیان این جریان را فاقد بینش تاریخی می‌داند و بر این دیدگاه است که استفاده از مفاهیم و نظریات دیگر حوزه‌های دانش، به‌ویژه علوم انسانی نه یک انتخاب بلکه ضرورت امروزین رشته تاریخ است. او بر این دیدگاه است که «متأسفانه رویکرد غالب پژوهش‌های تاریخی و جریان فکری گروه‌های علمی دانشگاهی این رشته در ایران حمایت از پژوهش‌های توصیفی است» و اگر مسئله و آموزش استفاده از نظریات و مفاهیم در تحقیقات تاریخی به جد گرفته نشود، رشته تاریخ در ایران به فلاکت و حسیبی بیش از آنچه اکنون با آن مواجهه است، روبه‌رو خواهد شد (مصاحبه با فرهاد دشتکی‌نیا، مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۰۵).

مدافع برجسته دیدگاه نخست، یعنی حسن حضرتی برخلاف نظر دشتکی‌نیا، ضمن قائل شدن تاریخ‌نگاری توصیفی در ذیل پارادایم تاریخ‌نگاری مدرن، بر این نظر است که ساحت دانش تاریخ با تبدیل شدن به زمین نظریه‌آزمایی علوم تعمیمی در خطر اضمحلال قرار گرفته و به‌جای آنکه در دپارتمان‌های تاریخ کشور، مهارت‌ها و روش‌های توصیف فربه را آموزش بدهند، به یاد دادن نصف‌ونیمه نظریه‌های علوم تعمیمی پرداخته شده است (حضرتی، ۱۳۹۹: ۷۹). او همچنین می‌نویسد: «در ایران مقدمات لازم برای ورود تاریخ‌شناسان به حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای فراهم نشده است. به بیان دیگر، ورود به عرصه مطالعات میان‌رشته‌ای الزاماتی دارد که در حال حاضر دانش تاریخ در ایران، در سطوح مختلف از آن بی‌بهره است» (حضرتی، ۱۳۹۲: ۱۲۹-۱۲۸).

انتقادی که با چنین پاسخی از سمت کریمی به‌عنوان یکی از مدافعان برجسته گروه دوم پاسخ داده شده است: «اشکالی که عمدتاً از سوی مخالفان استفاده نظریه در تاریخ بیان می‌شود به این معنا که هنوز مدافعان کاربست نظریه در تاریخ نتوانسته‌اند آن‌چنان که مدعی‌اند با استفاده از نظریه تاریخ بنویسند و نظریه بیشتر در کارهایشان زینت‌المجلس است. این داوری گرچه قرین به حقیقت است، اما بهانه قرار دادن آن برای حمله به نظریه، جفای بزرگی در حق پشتیبانان نظریه است. آخر چطور می‌شود انتظار داشت با استادان تاریخ ناآشنا و بعضاً مخالف با نظریه، سیستم مندرس آموزشی و نبود متون مناسب به این مهم دست یافت» (کریمی، ۱۴۰۰).

هاشم آقاجری نیز ضمن انتقاد بر تک‌بعدی دیدن عامل وضعیت کنونی رشته تاریخ، شرایط نابسامان این رشته را در بخشی به سیاست‌های کلان حکومتی همچون سیطره نهاد سیاست بر ساختار دانشگاه، گماردن افراد غیرتاریخی و دارای کمترین صلاحیت علمی در شورای

برنامه‌ریزی رشته تاریخ از دهه هشتاد و تستی شدن آزمون پذیرش دانشجو در این رشته از اواسط دهه هفتاد مرتبط می‌داند. او بر این دیدگاه است که با وجود احساس ضرورت در ایجاد تحولات درسی در رشته تاریخ که از اوایل دهه هفتاد حس می‌شد، برنامه پیشنهادی او و دیگر استادان طراح که شامل افرادی مانند غلامحسین زرگری‌نژاد، مرحوم حائری، مصدق رشتی و عبدالرسول خیراندیش می‌شد، به دلیل تسلط جریان سنتی حامی تاریخ توصیفی بر گروه‌های تاریخ ایران و ناتوانی علمی ایشان جهت تدریس این مباحث جدید، برای تصویب نهایی موافقت صددرصدی را به دست نیاورد (مصاحبه با هاشم آقاجری، مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۳).

آقاجری ضمن طرح چرخش تئوریک خود بعد از دوره ارشد و تدوین پایان‌نامه مرتبط با ارتباط نهاد دین و دولت در عصر صفوی، پیشرو بودن گروه تاریخ دانشگاه تربیت‌مدرس در آغاز مباحث مرتبط با مطالعات تاریخ تئوریک را در زمانی که دیگر گروه‌های تاریخی کشور اطلاعی از این مباحث نداشتند و همچنین رساله‌ها و پایان‌نامه‌هایی که به راهنمایی او در گروه تربیت‌مدرس یا با الهام از نظریه یا با کاربست نظریه و مفاهیم انجام شده است، به همراه ترجمه‌های متعدد برای معرفی تحولات مرتبط با رویکردهای مدرن حوزه تاریخ‌نگاری را رویدادهایی می‌داند که در عین تأثیرگذاری بر جریان تاریخ آکادمیک در ایران، نشانگر خلاف ادعای جریان مقابل درباره کم‌کاری خود و رویکرد مورد قبولش و همچنین نبود نمونه‌های کار تاریخ نظریه‌محور در نظام دانشگاهی ایران است که به اعتقاد او در آغاز راه تحول است (همان). او همچنین بر این دیدگاه است که شرایط امروز رشته تاریخ به دلیل فقر بحث‌های نظری، مفهومی و اپیستمولوژیک است نه اینکه به سبب حضور و قوت این بحث‌ها، تاریخ ضعیف شده باشد (همان).

علی محمد ولوی استاد گروه تاریخ دانشگاه الزهراء(س)، به عنوان یکی دیگر از پیشروان و حامیان تاریخ تئوریک، ضمن تأکید بر پیشرو بودن دانشگاه الزهراء(س) در این زمینه، این ادعا را مطرح می‌کند که «زمانی در گروه تاریخ دانشگاه الزهراء(س) این مباحث مطرح بود که دانشکده‌ها و گروه‌های دیگر آن را به تمسخر گرفته و آن را کاری فانتزی می‌دانستند. خوشحالم بعد از نزدیک چهل سال تکاپو و تلاش در این عرصه، می‌بینم در دانشگاه‌هایی که این باور در آن‌ها مطرح نبود و حتی نگاه منفی داشتند، الان در همان مسیر ما هستند» (مصاحبه با علی محمد ولوی، ۱۴۰۱/۱۱/۳).

ایشان بر این دیدگاه است که هم رویکرد اکتشافی پیمایشی و هم رویکرد نظریه‌محور رویکردهای علمی محسوب می‌شوند، اگر با سازوکار علمی انجام شوند. «اما اگر بخواهیم به سمت حل مسئله برویم و علمی را کاربردی کنیم باید بیایم سراغ آزمون فرضیه و آزمون

نظریه و این دو کار باید انجام شود. این‌ها همه مراتب و مراحل مختلف کار علمی محسوب می‌شوند و نمی‌شود ارزش‌گذاری کرد و کسانی که ارزش‌گذاری می‌کنند دانشجو یا پژوهشگر را گرفتار مشکل می‌کنند» (همان).

وی با انتقاد از برنامه تحصیلی رشته تاریخ در ایران که به بیان او «در اتاق‌های در بسته با تکیه بر تجربه فردی افراد و عدم پیمایش اصولی و دقیق علمی و حتی بدون مطالعه نمونه‌های موفق جهانی» تدوین شده است (همان)، به‌مانند آقاجری تأکید بر نوپا بودن تاریخ‌تئوریک در ایران دارد و با توجه به معایب نظام آموزشی که مسیر آموزش را دشوار کرده، بر این نظر است که «آزمون نظریه کار آسانی نیست. واقعاً پختگی می‌خواهد. ما باید خوشحال باشیم اگر از حدود این چهار هزار مقاله‌ای که گفتید حتی ده تا پانزده مقاله‌اش به جایی رسیده باشد که این‌ها نظریه‌ای را به آزمون گذاشته باشند و نظریه مبنا کار خودشان را انجام داده باشند» (همان).

وی با تأکید بر نقص آموزش در مرحله پیمایش یا همان توصیف، به این مسئله باور دارد که «این نقص نباید باعث شود شما بترسید که یاد بگیرید چگونه نظریه‌آزمایی کنید یا به سمت تولید نظریه بروید؛ چون ضرورت دارد آزمون نظریه و فرضیه را یاد بگیرید» (همان). داریوش رحمانیان نیز بر فقر مطالعات نظری در ساحت نظام آموزشی رشته تاریخ در ایران اذعان دارد که خود باعث بروز آفت‌ها و آسیب‌هایی از جمله رکود مزمز آگاهی‌های تاریخی ایرانیان و البته «نظریه‌زدگی» و «مفهوم‌زدگی» پژوهش‌های آکادمیک تاریخی شده است (URL5). او با تأکید بر اینکه بر ساحت آموزشی این رشته که البته وی از آن به «رشته‌نما» تعبیر می‌کند، ذهنیت و ساختار سنتی حاکم است، بر این دیدگاه است که در چنین فضایی کار جدی و طرحی نو در انداختن کاری دشوار است (رحمانیان و ذکایی، ۱۳۸۹: ۳۳).

استاد تاریخ معاصر دانشگاه تهران با توصیف اینکه «هنوز کسانی هستند که از تاریخ رویدادمحور و روایی و توصیفی به‌عنوان تنها تاریخ شایسته و بایسته دفاع می‌کنند و رفتن به سوی عرصه‌ها و موضوعات تاریخ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را آن هم با روش‌ها و رویکردهای جدید، انحراف از سنت و اصول و قواعد تاریخ‌نویسی می‌پندارند»، ضمن تأکید بر ارزش کار تخصصی و تخصص‌گرایی، بر این دیدگاه است که تخصص‌گرایی مطلق و خشک که از شاخه‌های تفکر مدرن و عوارض طبیعت‌گرایان پوزیتویست است، می‌تواند به شیء‌شدگی و پاره‌پاره‌شدن انسان به‌عنوان موضوع و ابژه شناخت بینجامد (همان).

رحمانیان بر این نظر است که «در روزگار ما مسائل و موضوعات قابل توجهی پیش آمده و مطرح شده‌اند که بررسی علمی آن‌ها در چارچوب و توان یک رشته خاص نمی‌گنجد و

رویکردها و روش‌های جدید و به‌ویژه مطالعات میان‌رشته‌ای را طلب می‌کند. در این میان، تاریخ به‌عنوان مادر همه علوم مربوط به انسان، جایگاه ویژه و بنیادین دارد. دیگر زمان آن گذشته که امثال دورکیم و اسپنسر و غیره گمان می‌کردند کار تاریخ و مورخ صرفاً این است که داده‌های خام و صحیح را گردآوری کند و کنار بنشیند و کار تحلیل و پردازش و نظم بخشیدن به آن‌ها را به متخصصان دیگر رشته‌ها، به‌ویژه جامعه‌شناسی بسپارد. آن رابطه‌ای که آن‌ها می‌خواستند میان مورخ و جامعه‌شناس ترسیم و برقرار کنند و مورخ را عمله و کارگر و جامعه‌شناس را معمار و کارفرما تلقی می‌کرد، امروز جای خود را به رابطه مبتنی بر دادوستد و رفت‌وآمد مدام در قلمرو یکدیگر سپرده است» (همان).

در میان دو جریان مذکور، می‌توان از گروه گسترده‌ای نیز نام برد که با اذعان بر معایب و محاسن دو رویکرد، راه میانه را انتخاب کرده‌اند و خود را قائل به جای‌گیری در هیچ‌یک از شاخه‌های ذکرشده نمی‌دانند. سیمین فصیحی استاد تاریخ معاصر دانشگاه الزهراء (س) را می‌توان از این دست افراد دانست. او با بیان اینکه در سطح جهانی این مباحث و این نوع تقسیم‌بندی‌ها، فصل آن گذشته است و کلیشه‌ای محسوب می‌شوند، با قرارداد این مباحث در حوزه فلسفه انتقادی تاریخ، بر این دیدگاه است که «چون حوزه تاریخ خیلی گسترده است هیچ نوع خودکامگی را بر نمی‌تابد که من برای کشف حقیقت یا واقعیت از این روش یا از آن روش استفاده کنم» (مصاحبه با سیمین فصیحی، مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۵).

سیمین فصیحی با بیان اینکه «من نمی‌دانم بر چه اساسی باید بگویم که کار ویژه تاریخ چیست.» بر این دیدگاه است که حقیقت یا واقعیت تاریخی کاملاً در دسترس نیست و مورخ صرفاً می‌تواند در تلاش علمی خویش پرتوافکنی بر بخشی از گذشته غیرقابل دسترس داشته باشد (همان). او با بیان اینکه به مقوله «تاریخ برای تاریخ» اعتقادی ندارد، بر این باور است که تاریخ‌ورزی امری مبتنی بر نیاز اکنون مورخ است؛ هرچند که پاسخ آن در گذشته به دست می‌آید. وی ضرورت آگاهی از تحولات تاریخ رشته تاریخ در جهان را امری واجب برای عدم رکود مورخان ایرانی می‌داند و بر این دیدگاه است که «موضوع مشخص می‌کند که کدام شیوه پژوهش بهتر است. من به این معتقدم. من حتی زمانی که توصیف می‌کنم اصلاً ناگزیر مجبورم در جاهایی چرایی‌ها را هم مطرح کنم. فقط چگونگی را نمی‌خواهم بگویم برای اینکه به این توصیف فربه برسم (هرچند با این اصطلاح نمی‌توانم ارتباط برقرار کنم و آن را نمی‌فهمم) باید منابع متعددی را ببینم. لایه‌های پنهان و زیرینی را ببینم. برای رسیدن به این توصیف فربه، من باید کلی ابزار تحلیلی داشته باشم تا احتمالاً به این توصیف برسم» (همان).

فصیحی با فاجعه‌بار دانستن وضعیت رشته تاریخ در ایران، بر این نظر است که حامیان

توصیف فربه و حامیان مطالعات تاریخ‌تئوریک، در نهایت هر دو به یک نتیجه مشترک می‌رسند؛ چون این مباحث «به نظرم با هم خلط شده است. ما یک‌وقت درباره تحولات تاریخ، روش‌های تاریخ و آن اتفاقاتی که در واقع در حوزه تخصصی رشته تاریخ اتفاق افتاده، صحبت می‌کنیم. یک وقتی درباره وضعیت کنونی خودمان صحبت می‌کنیم». او البته این ضعف را صرفاً مرتبط با رشته تاریخ نمی‌داند و آن را امری عمومی در ساحت علوم انسانی در ایران می‌داند و بر این دیدگاه است که نظام آموزشی ایران نیاز به بازسازی از پایه دارد (همان).

وی ضمن مخالفت با نظریه‌پردازی‌های کلان در تاریخ‌نگاری، با قائل شدن به مهم‌بودن یادگیری مهارت‌های لازم برای یک کار توصیفی، بر استفاده از نظریه و مفاهیم نیز به‌عنوان بخش مهم دیگر این ابزارهای پژوهشی تأکید دارد و ضمن انتقاد بر اینکه عرصه پژوهش‌های تاریخی نباید عرصه آزمون نظریه بشود، بر این دیدگاه است که اگر منظور از توصیف فربه «تاریخ برای تاریخ» است، من این‌گونه تاریخ را در حد نقالی می‌بینم و آن را پژوهش تاریخی نمی‌بینم که بخواهم به آن ورود کنم. فصیحی همچنان که مخالف هشدارهای درست قائلان به رویکرد توصیف فربه است، این عقیده را مطرح می‌کند که «تحولی در حال شکل‌گیری است که قابل نادیده‌گرفتن نیست و نمی‌توان با این دیدگاه که دانشجویان درباره استفاده از نظریه ضعف دارند مانع رفتن به این سمت شد» (همان).

عبدالرسول خیراندیش را شاید بتوان در همین گروه میانه جای داد. او ضمن موافقت با استفاده از علوم کمکی در پژوهش‌های تاریخی و ضرورت تعامل بین‌رشته‌ای که آن را گامی پیشروانه در پژوهش‌های تاریخی می‌داند، بر استقلال روشی و کار ویژه تاریخ که باید «در تاریخ‌نگاری محض لحاظ شود» تأکید می‌کند (مصاحبه با عبدالرسول خیراندیش، مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۶).

اسماعیل حسن‌زاده به‌عنوان آخرین فرد که می‌توان اندیشه او را نیز در همین رویکرد بینابین قرارداد، با بیان تضادهای تعریفی درباره مطالعات میان‌رشته‌ای، بر این دیدگاه است که هرچه روی می‌دهد و هر آنچه هست، در بستر تاریخ است و اگر از این منظر کلان‌نگریسته شود، این دیگر رشته‌هایند که نیازمند استفاده از تاریخ و دانش تاریخی‌اند. او ضمن مخالفت با تفریدی‌دیدن دانش تاریخ و محصورکردن آن به‌عنوان علمی صرفاً جهت مطالعه گذشته، بر این دیدگاه است که با سطح‌بندی مطالعات تاریخی در سه سطح مقدماتی که همان سطح گزارش‌رودادهاست، سطح میانی که سطح مطالعات ساختاری است و سطح عالی که سطح شناسایی روندهای تاریخی است، یکی از مهم‌ترین وظایف مورخان پیش‌بینی آینده خواهد بود. وی ضمن تأیید وضعیت بحرانی رشته تاریخ در ایران و مخالفت با اینکه ساحت علم

تاریخ به جولانگاهی برای نظریه‌آزمایی‌ها تبدیل شود، برخی از روش‌های فلت مانند روش تطبیقی، علت‌یابانه و یا گراند تئوری (نظریه داده بنیاد) را روش‌های بینارشته‌ای می‌داند که نمی‌توان آن را در تصاحب رشته‌ای دانست؛ لذا استفاده از این نمونه روش‌ها چه در تاریخ و چه در دیگر حوزه‌های علوم انسانی باعث نمی‌شود که ماهیت آن رشته‌ها تغییر یابد، زیرا در هر علمی، موضوع و غایت آن مشخص است و استفاده از روش‌ها برای رسیدن به اهداف مدنظر، دانش پایه را گرفتار وابستگی و اضمحلال نمی‌کند.

حسن‌زاده شناسایی اصول، قوانین و روندهای تاریخی را از عواملی می‌داند که با آن وسیله می‌توان تاریخ را مهندسی کرد و به یک تبیین قابل‌فهم‌تر از رویدادها رسید. او بر این دیدگاه است که ضمن شناسایی تحولات تاریخ‌نگاری جهانی و استفاده از این تجربیات ارزشمند، در نهایت باید به سمتی سوق پیدا کنیم که از دل تاریخ به نظریه برسیم و به‌نوعی به تولید نظریه‌های پساتحقیق دست پیدا کنیم؛ زیرا تاریخ دانشی کاربردی است و حتی اگر توصیف فریه وقایع تاریخی نیز به اصول کلی نرسد، به‌عنوان روش پایه تحقیقات تاریخی، کاربردی نخواهد داشت (مصاحبه با اسماعیل حسن‌زاده، مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۲۴).

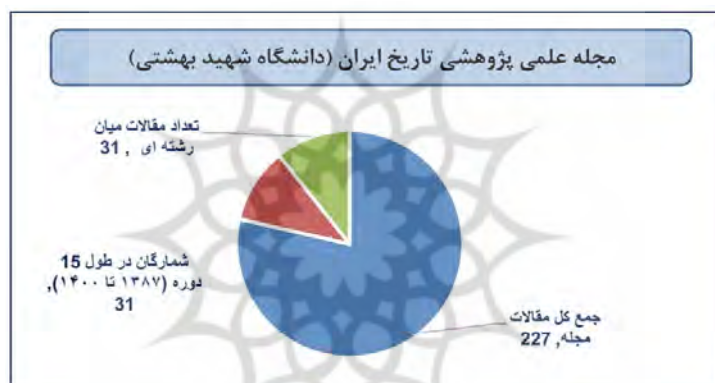
هر سه رویکرد ذکر شده که به جد در یکی دو دهه اخیر مورد مباحث متعدد در گروه‌ها، همایش‌ها و نوشتارهای مختلف حامیان آن‌ها قرار گرفته، دارای نقطه اشتراک در یک موضوع واحد، یعنی اضمحلال دانش تاریخ در ایران به دلیل پررنگ بودن یک جریان غالب بوده است؛ لذا در ادامه پژوهش برآنیم تا با بررسی آماری مقالات ۱۶ مجله علمی پژوهشی در حوزه تاریخ، به‌عنوان نمایندگان معتبر تاریخ علمی در ایران، به بررسی وضعیت و جایگاه مقالات «تاریخ میان‌رشته‌ای» در آن‌ها، برای صحت‌سنجی اعتبار مدعیان این رویکردها، در وهله اول پردازیم و در ادامه ضمن تحلیل این داده‌ها، پیشنهادهایی برای برون‌رفت از وضعیت موجود ارائه دهیم.

ارائه داده‌های پژوهش

برای تعریف و تعیین حدود «تاریخ میان‌رشته‌ای» از زمان تولد آن تاکنون چالش‌هایی وجود داشته و احتمالاً تداوم خواهد داشت، اما به‌طور عام می‌توان مراد از آن را استفاده از روش‌ها، مفاهیم و نظریات دیگر علوم برای پاسخ‌گویی به رویدادی تاریخی دانست که خود دانش تاریخ با روش‌های مختص به خود قادر به پاسخ‌گویی متقن بدان‌ها نیست. این تعریف کلی در پژوهش پیش‌رو، شاخص راهنما جهت مطالعه جامعه آماری مورد هدف بوده و بدون شک خالی از اشکال نخواهد بود، اما سعی بر آن بوده که با تعریفی جامع، این میزان خطای احتمالی را به حداقل رساند. همچنین درباره بازه زمانی انتخابی بررسی مجلات، ملاک ارجاع به آرشیو

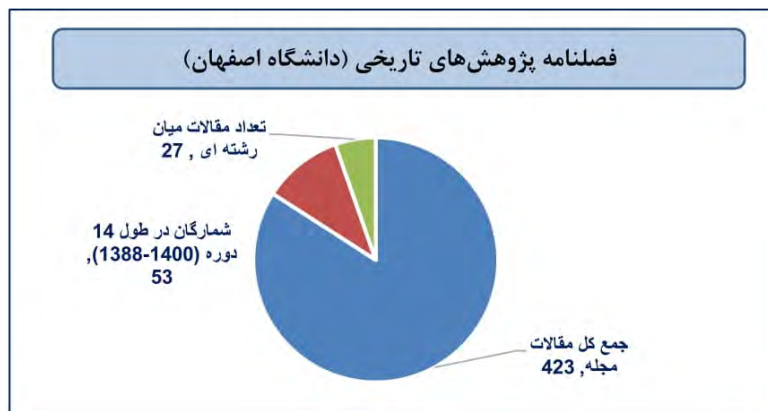
۲۰۰ / تاریخ میان‌رشته‌ای و جایگاه آن در پژوهش‌های تاریخی / عباسی و ...

اینترنتی نشریات بوده است که احتمالاً بیش از ۸۰ درصد دوره‌های چاپ‌شده مجلات را پوشش می‌دهند. این بازه زمانی انتخاب‌شده از سال ۱۳۸۷ شمسی تا پایان ۱۴۰۰ است و بیشتر مجلات، دوره زمانی بین ۱۳ تا ۱۵ دوره را از منظر آماری شامل می‌شده‌اند. در همین راستا می‌توان مجله تخصصی گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی با عنوان «تاریخ ایران» را اولین مجله از منظر دارابودن تعداد دوره‌های چاپ‌شده دانست. این مجله طبق اطلاعات پایگاه داده آن، از سال ۱۳۸۷ تا پایان ۱۴۰۰ در ۱۵ دوره و ۳۱ شماره به چاپ رسیده است. مجموع مقالات بازه زمانی ذکر شده ۲۲۷ مقاله و تعداد مقالات بین‌رشته‌ای آن ۳۱ مقاله است که در نمودار ذیل به تصویر کشیده شده است.

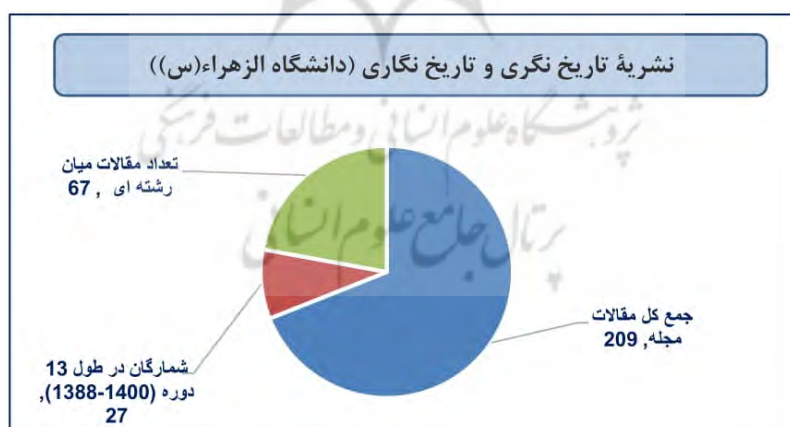


دومین مجله شایسته یادآوری در این بخش فصلنامه «پژوهش‌های تاریخی» مرتبط با گروه تاریخ دانشگاه اصفهان است. این مجله در طول ۱۴ سال، داده آماری آن بر روی پایگاه اطلاعات مجله، در تعداد ۵۳ شماره و ۴۲۳ مقاله به چاپ رسیده است. مجله دانشگاه اصفهان را می‌توان دارای بیشترین تعداد مقاله در مقابل نمونه‌های مشابه دانست که البته براساس داده‌های به‌دست آمده، دارای کمترین تعداد مقالات بین‌رشته‌ای بر اساس تعداد کل مقالات است که تعداد آن‌ها همان‌گونه که در نمودار ذیل منعکس شده، ۲۷ مورد است.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۱ / ۲۰۱



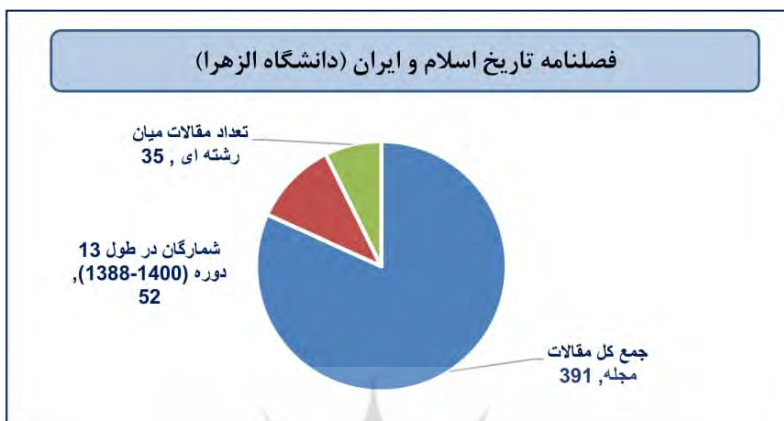
«تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری» یکی از مجلات مرتبط با گروه تاریخ دانشگاه الزهراء(س)، سومین نشریه استناد شده در این پژوهش است. شمارگان مجله در طول سیزده دوره چاپ از سال ۱۳۸۸ تا پایان ۱۴۰۰ حدود ۲۷ شماره را شامل می‌شود. همان‌گونه که نمودار داده‌های این مجله نشان می‌دهد، با وجود تعداد کم شمارگان و آمار نهایی ۲۰۹ مقاله، میزان پذیرش مقالات «تاریخ میان‌رشته‌ای» در آن از امتیاز ویژه‌ای برخوردار است؛ امتیازی که در مقایسه با تمام مجلات دیگر، نشریه «تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری» را واجد امتیاز پیشرو بودن در پذیرش این‌گونه مقالات با تعداد ۶۷ مورد، قرار داده است.



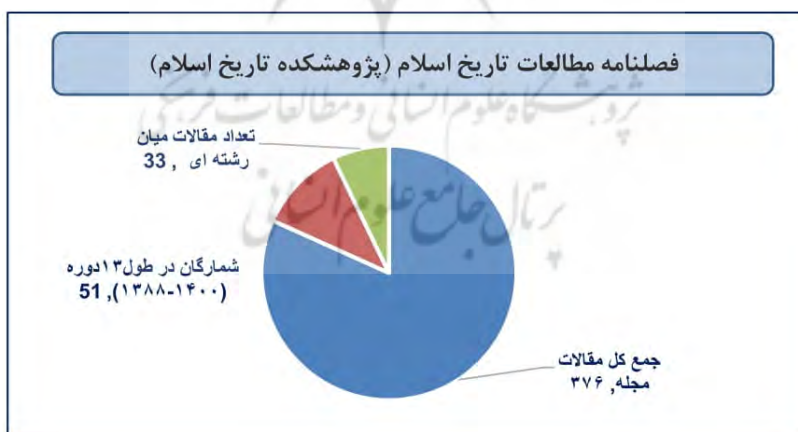
همچنین دیگر مجله مرتبط با گروه تاریخ دانشگاه الزهراء(س)، یعنی فصلنامه «تاریخ اسلام و ایران» با ملاک قراردادن داده‌های پایگاه اطلاعاتی آن در بازه زمانی شبیه به مجله پیشین این گروه، دارای ۵۲ شماره در یک دوره ۱۳ ساله است. مجموع مقالات شمارگان مذکور ۳۹۱ مقاله

۲۰۲ / تاریخ میان‌رشته‌ای و جایگاه آن در پژوهش‌های تاریخی / عباسی و ...

و تعداد مقالات میان‌رشته‌ای آن ۳۵ مورد است.



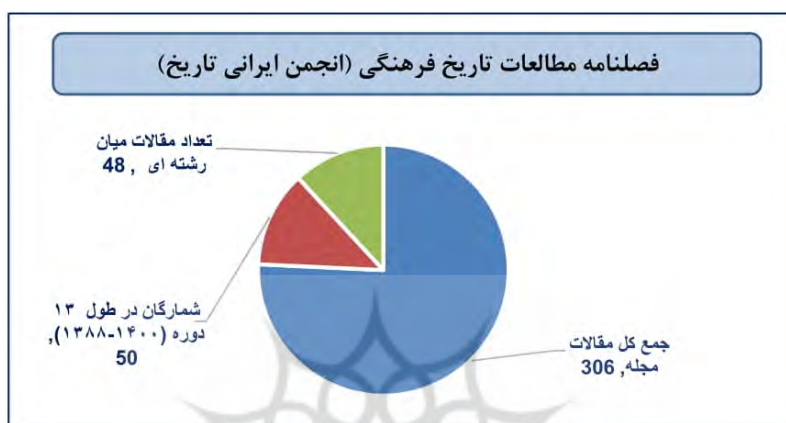
پژوهشکده تاریخ اسلام را بنابر پژوهش‌هایی که منتشر کرده و همایش‌هایی که برگزار کرده که یکی از آن‌ها به‌طور مشخص با عنوان «تاریخ و همکاری‌های بین‌رشته‌ای» شناخته می‌شود، می‌توان از مؤسسات علمی دغدغه‌مند در این مسئله دانست. مجله مرتبط با این مرکز علمی «فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام» است. این مجله در طول دوره سیزده ساله انتشار خود، ۳۷۶ مقاله را در ۵۱ شماره به چاپ رسانیده است که از این میان صرفاً ۳۳ مقاله این مجله، مقالات بین‌رشته‌ای محسوب می‌شود.



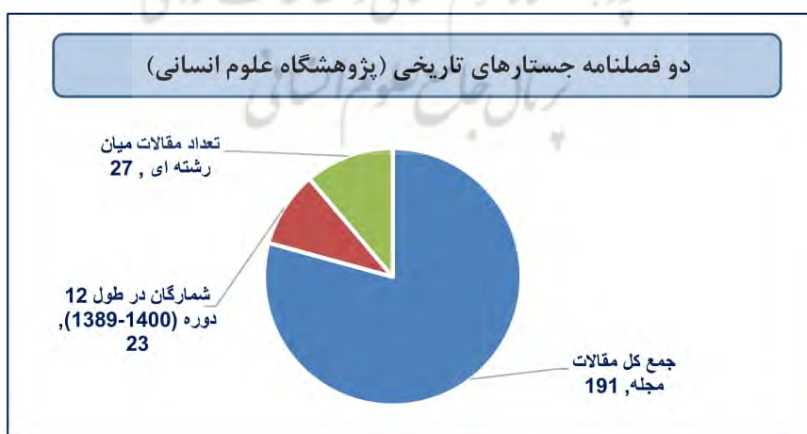
فصلنامه «مطالعات تاریخ فرهنگی» منتسب به انجمن ایرانی تاریخ از سال ۱۳۸۸ با حمایت از مطالعات تاریخ فرهنگی که ضرورت آن همگرایی با دیگر رشته‌های علوم انسانی است،

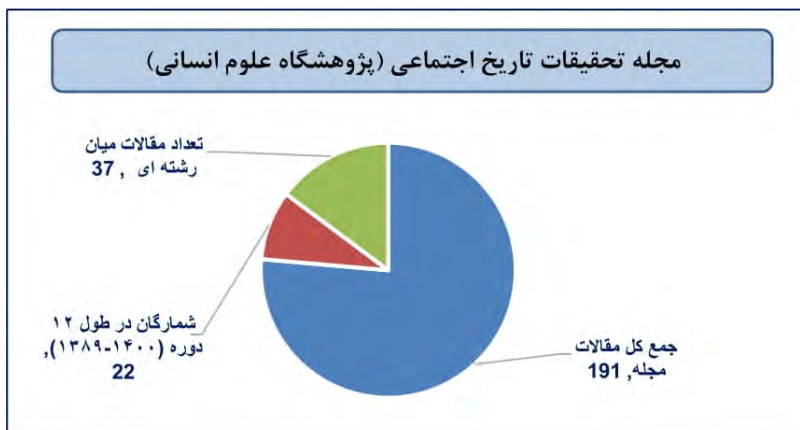
تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۱ / ۲۰۳

شروع به پذیرش و چاپ مقالات با این رویکرد کرده است. ۵۰ شماره در طول شمارگان سیزده دوره این مجله، شامل ۳۰۶ مقاله است که از این میان صرفاً ۴۸ مقاله طبق تعاریف ذکر شده در مجموعه مقالات بین‌رشته‌ای بیان شد.

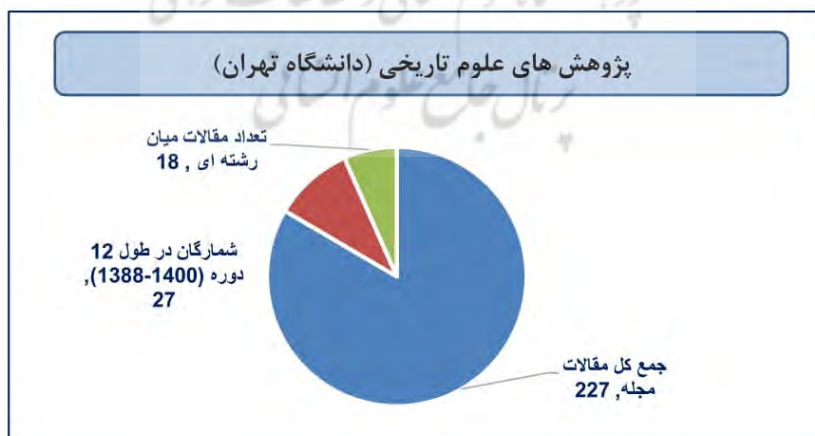


دو فصلنامه «جستارهای تاریخی» و «تحقیقات تاریخ اجتماعی» مجلات علمی پژوهشی متناسب به پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، از دیگر مجلات استفاده شده جهت رسیدن به داده‌های مدنظر پژوهش حاضر است. هر دو مجله در یک بازه زمانی مشابه که در نمودارهای اطلاعاتی آن‌ها دیده می‌شود، به ترتیب ۲۳ و ۲۲ شماره را به چاپ رسانده‌اند. جستارهای تاریخی از مجموع ۱۹۱ مقاله آن، ۲۷ نمونه‌اش در ذیل تاریخ میان‌رشته‌ای قابل جای‌گذاری است و تحقیقات تاریخ اجتماعی نیز با همین تعداد کلی مقاله، ۳۷ مورد مقالاتش در این تقسیم‌بندی جای می‌گیرند.

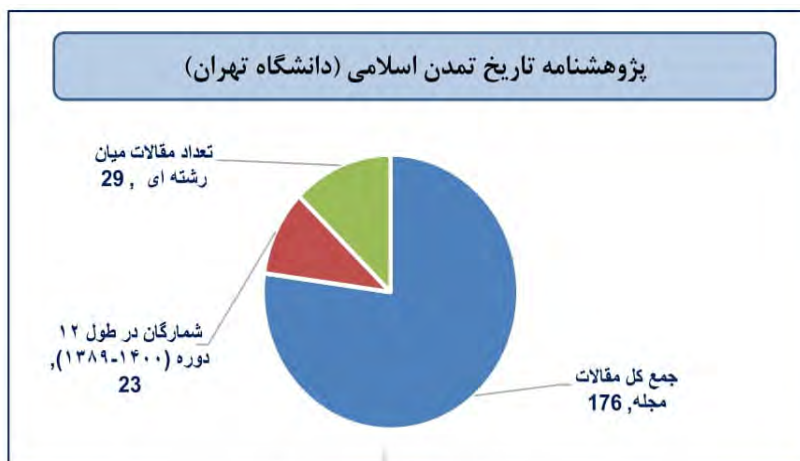




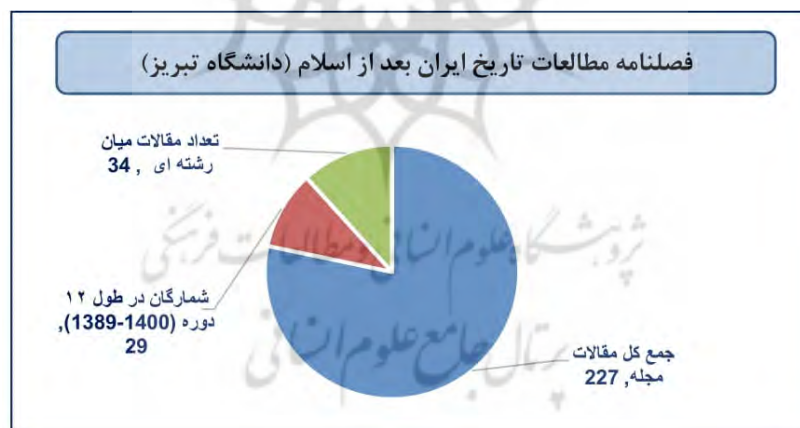
آموزش تاریخ به صورت آکادمیک ریشه در تاریخ دانشگاه تهران دارد، اما استقلال رشته تاریخ در این دانشگاه که بدون شک الگویی برای دیگر دانشگاه‌های پیرو نیز شد، مرتبط به سال ۱۳۴۲ شمسی است (صفت گل، ۱۴۰۰: ۲۰۶)؛ لذا بر این اساس می‌توان از گروه‌های مرتبط با آموزش تاریخ این دانشگاه به عنوان گروه‌های پیشرو آموزشی نام برد، اما براساس داده‌های پایگاه اطلاعاتی نشریات هدف دانشگاه تهران، شمارگان بارگذاری شده مجلات پژوهشی «پژوهش‌های علوم تاریخی» و «پژوهش‌نامه تاریخ تمدن اسلامی» منتسب به گروه‌های تاریخی، به‌مانند بسیاری از دیگر مجلات مشابه مرتبط به سال ۱۳۸۸ به بعد است. هر دو مجله در دوره زمانی ۱۲ ساله، به ترتیب ۲۷ و ۲۳ شماره را به چاپ رسانده‌اند. ۱۸ مقاله مجله پژوهش‌های علوم تاریخی مقالات بین‌رشته‌ای محسوب می‌شوند؛ درحالی‌که کل مقالات آن ۲۲۷ مقاله است. پژوهش‌نامه تاریخ تمدن اسلامی نیز دارای ۱۷۶ مقاله است که از آن میان ۲۹ عنوان آن با تعاریف ذکر شده در مجموعه مقالات بین‌رشته‌ای شایسته یادآوری است.



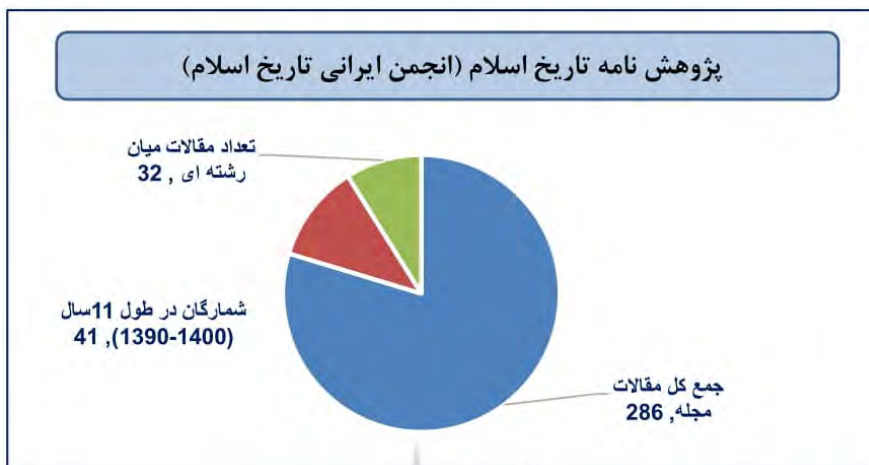
تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۱ / ۲۰۰



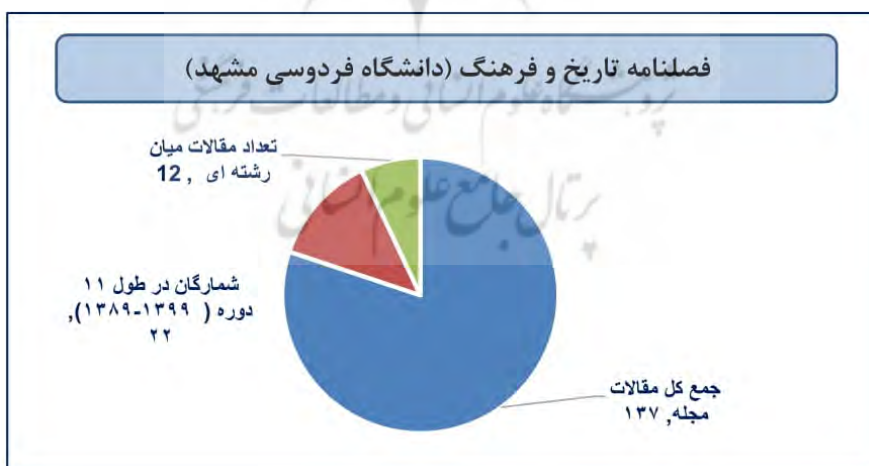
فصلنامه «مطالعات تاریخ ایران بعد از اسلام» دانشگاه تبریز از دیگر مجلاتی است که در یک دوره ۱۲ گانه، ۲۹ شماره‌ای که شامل ۲۲۷ مقاله است، تعداد ۳۴ مورد آن بعد از بررسی‌های لازم در شمار مقالات تاریخ بین‌رشته‌ای محسوب شد.

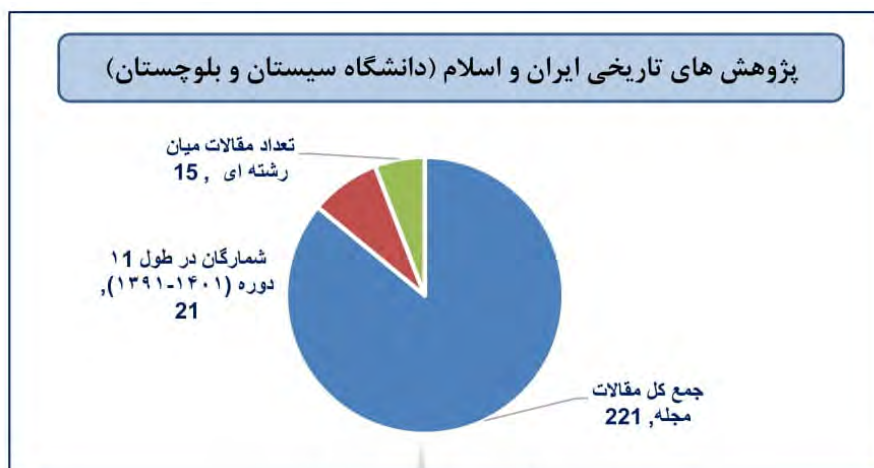


«پژوهش‌نامه تاریخ اسلام» منتسب به انجمن ایرانی تاریخ اسلام، در مجموع شمارگان یازده ساله خویش که از بهار ۱۳۹۰ تا پایان ۱۴۰۰ را شامل می‌شود، مجموعاً ۴۱ شماره را به چاپ رسانده است. این مجله دارای ۲۸۶ مقاله است که از آن میان ۳۲ مقاله را بعد از مطالعات انجام‌شده در زمره پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرار داده‌ایم.

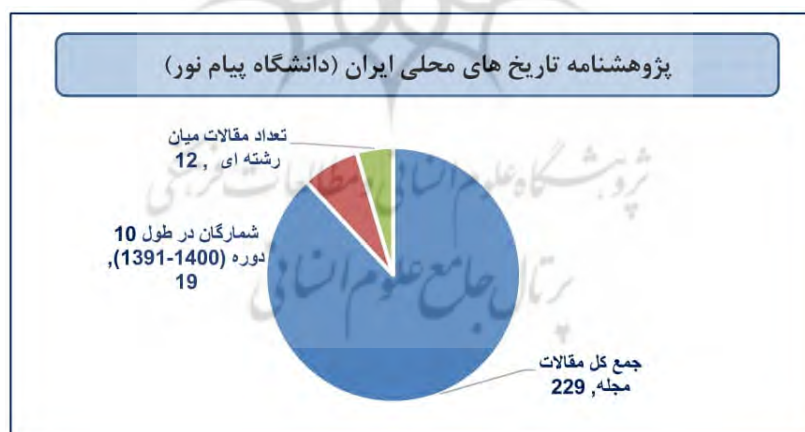


در حوزه شرق ایران، دو گروه علمی تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد با مجله «تاریخ و فرهنگ» و دانشگاه سیستان و بلوچستان با مجله «پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام» از دیگر نمونه‌های آماری مطالعه‌شده در فرایند این پژوهش بوده‌اند. هر دو مجله در طول دوره‌های یازده‌گانه خویش، به ترتیب ۲۲ و ۲۱ شماره را به چاپ رسانده‌اند. اولین مجله از ۱۳۷ مقاله بررسی‌شده، ۱۲ مقاله آن در زمره داده مدنظر نگارندگان این مقاله بوده و مجله دوم از تعداد ۲۲۱ مقاله، دارای ۱۵ مقاله بین‌رشته‌ای است.



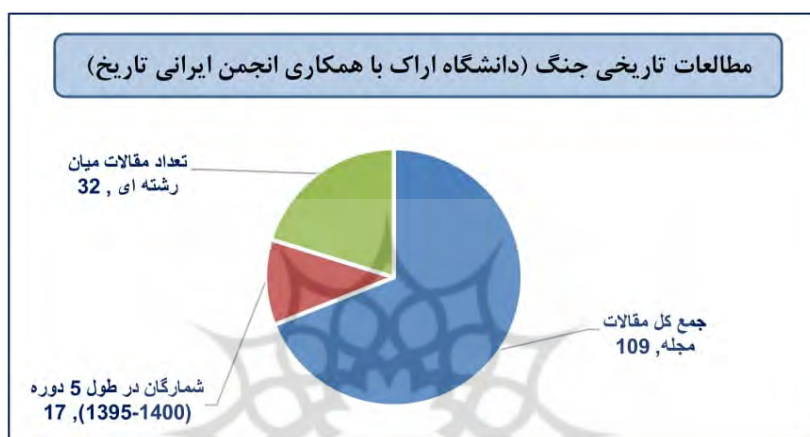


«پژوهش‌نامه تاریخی‌های محلی ایران» وابسته به گروه علمی تاریخ دانشگاه پیام‌نور، از دیگر مجلات مرتبط با پژوهش حاضر است. این مجله در طول تقریباً یک دهه فعالیت علمی خود، دارای ۱۹ شماره چاپی است و از مجموع ۲۲۹ مقاله‌ای که پذیرفته شده، صرفاً ۱۲ پژوهش آن در زمره پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرار می‌گیرد.

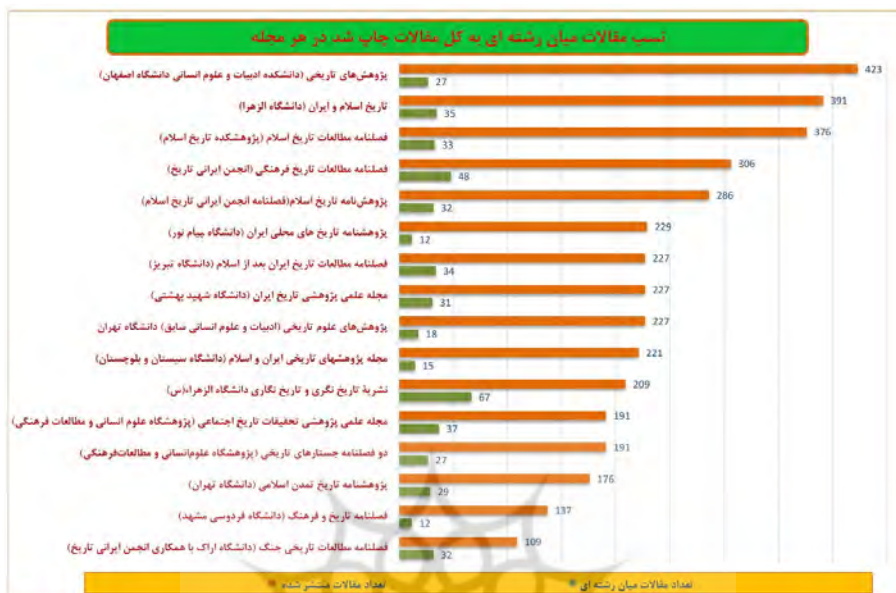


آخرین مجله بررسی شده برای به دست آمدن داده‌های مدنظر در این پژوهش، فصلنامه «مطالعات تاریخی جنگ» است؛ فصلنامه‌ای با کمترین دوره فعالیت در میان مجلات بررسی شده که فعالیت آن از سال ۱۳۹۵ آغاز می‌شود و با آنکه ۱۷ شماره و صرفاً ۱۰۹ مقاله را

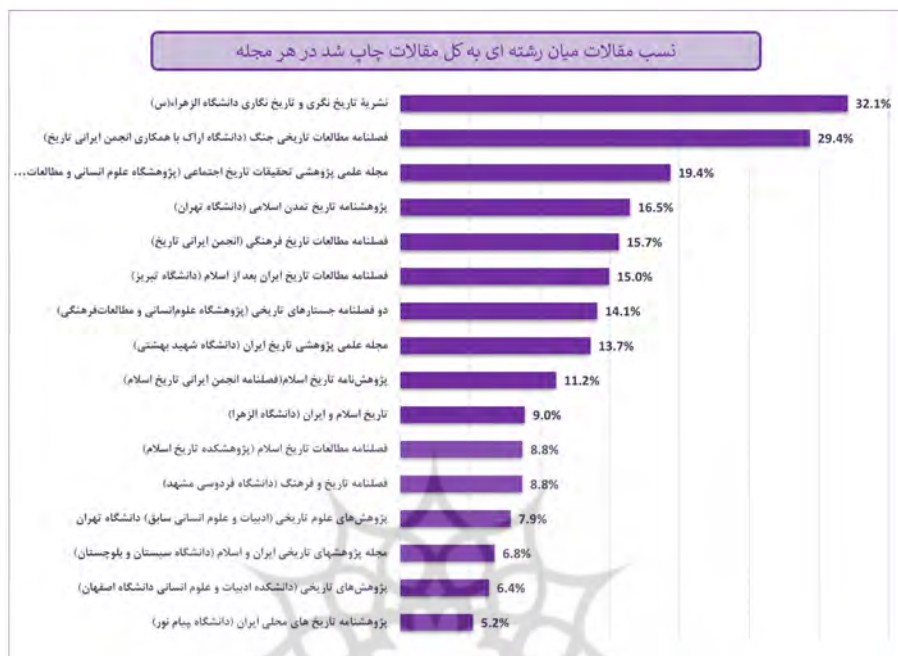
به چاپ رسانده، به نسبت مقالات چاپی و سال‌های فعالیت، دارای آمار ارزشمندی از منظر مقالات بین‌رشته‌ای است. ۳۲ مقاله مجله تقریباً یک‌سوم مقالات مجله را شامل می‌شود که می‌تواند نشانگر اهمیت دادن متولیان این فصلنامه گروه تاریخ دانشگاه اراک که با همکاری انجمن ایرانی تاریخ منتشر می‌شود، به این مسئله روز علم تاریخ باشد.



همان‌گونه که در صفحات فوق با ارائه داده‌های آماری مرتبط با مجلات تخصصی تاریخی مشخص شد، از میان مجلات دانشگاهی، دانشگاه الزهراء (س) با دو مجله پژوهشی خود در صدر مجلاتی قرار دارد که به مقالات بین‌رشته‌ای رویکرد مثبتی نشان داده و به چاپ آن‌ها اقدام کرده است. در میان انجمن‌ها و پژوهشکده‌ها نیز انجمن ایرانی تاریخ با دو مجله‌ای که در آن صاحب‌امتیاز است؛ یعنی «فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی» و «فصلنامه مطالعات تاریخی جنگ» با مجموع ۸۰ مقاله بین‌رشته‌ای در صدر قرار می‌گیرد. ضعیف‌ترین آمار متعلق به دانشگاه اصفهان است؛ زیرا با دارا بودن یکی از طولانی‌ترین دوره‌ها و بالاترین میزان چاپ مقاله، یعنی ۴۲۳ عنوان، صرفاً ۲۷ مقاله آن طبق تعریف مورد هدف این پژوهش در زمره مقالات بین‌رشته‌ای قابل ذکر است که نشانگر عدم اقبال این مجله به ضرورت علمی روز دانش تاریخ است. آمار تفکیکی هر مجله به نسبت بیشترین تعداد مقالات کل و میزان مقالات بین‌رشته‌ای در نمودار ذیل به تصویر کشیده شده که خود تصویری روشن از توضیحات بالا و بیان آن در یک نگاه است.



احتمال آن است که مخاطب پژوهش حاضر، آمار ذکر شده به‌ویژه درباره دانشگاه‌هایی که امتیاز پایین‌تری را دارند، نه به سیاست‌های مجله و رویکرد هیئت تحریریه آن، بلکه به ضعف عمومی دانش‌آموختگان تاریخ در ناتوانی استفاده از دانش مطالعات بین‌رشته‌ای در پژوهش‌های تاریخی مرتبط بدانند که باعث شده چنین مقالاتی به‌سبب ضعف ذاتی آن‌ها پذیرفته نشود، گزاره‌ای که هرچند در درستی آن در بخش دوم شکی نیست، بی‌اقبالیت متولیان برخی از مجلات از این نوع مقالات نیز خود امری انکارناپذیر است. برای مثال، فصلنامه «مطالعات تاریخ جنگ» با دارا بودن یک‌چهارم میزان مقاله بالاترین نمونه آماری، یعنی دانشگاه اصفهان، یک سوم مقالات آن در چهارچوب مقالات بین‌رشته‌ای قابل جای‌گذاری است و این مسئله به‌خوبی نشانگر سیاست‌های هر دو مجله در این راستاست و صرفاً به ضعف ساختاری مذکور باز نمی‌گردد. نمودار ذیل که نسبت‌سنجی از درصد پذیرش مقالات بین‌رشته‌ای به تعداد کل مقالات، به تفکیک هر مجله است، نیز نشانگر رویکرد مجلات تخصصی تاریخی به سیاست پذیرش مقالات میان‌رشته‌ای است که اگر بخواهیم به‌صورت تجمیعی بدان اشاره کنیم، می‌توان گفت دانشگاه الزهراء (س) با نسبت ۴۱ درصد پذیرش مقالات بین‌رشته‌ای، در صدر این دسته‌بندی از منظر مجلات دانشگاهی است. هرچند می‌توان انجمن ایرانی تاریخ را با دو مجله مورد حمایت آن با ۴۴ درصد، در اول این آمار کلی نیز قرار داد.



بخشی از آمار پژوهش پیش‌رو به بررسی این مطلب پرداخته است که وابستگان علمی سازمانی کدام دانشگاه بیشترین مقاله بین‌رشته‌ای را به چاپ رسانده‌اند. گفتنی است به‌منظور ارائه آمار این بخش، برای مجموع ۴۸۹ مقاله تاریخی بین‌رشته‌ای، نویسندگان اول آن‌ها به‌عنوان ملاک بررسی مدنظر بوده‌اند تا به‌صورت ضمنی مشخص شود که کدام گروه علمی دانشگاهی طی مسیر آموزشی و سیاست‌های پژوهشی خود سعی کرده تا دانشجویان و دانش‌آموختگان خود را برای ورود به این حوزه دارای آمادگی نسبی نمایند. آمار مذکور که به‌صورت نمودار در ذیل نشان داده شده، نشانگر امتیاز بالای دانشگاه تهران در وهله اول است. وابستگان علمی سازمانی این دانشگاه که عنوان نویسنده اول مقالات بین‌رشته‌ای را داشته‌اند، به تعداد ۴۲ نویسنده در صدر این آمار قرار می‌گیرند و بعد از آن مجموعه نویسندگان مرتبط با دانشگاه آزاد اسلامی به‌دلیل گستردگی شعبات آن با تعداد ۳۸ مورد در رتبه دوم جای دارند. دانشگاه اصفهان با تعداد ۳۲ مورد، دانشگاه شهید بهشتی با تعداد ۳۱ مورد و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با ۲۹ نویسنده، دانشگاه الزهراء(س) با ۲۸ مورد و تربیت‌مدرس با ۲۷ نمونه، دانشگاه‌های یک تا هفتم این بخش است.

بررسی تک‌تک این مقالات، همچنین جریان غالب، نه تسلط نظریه بر آن‌ها، بلکه استفاده از مفاهیم و روش‌هایی بیشتر مورد کاربرد بوده که نمی‌توان آن‌ها را مختص رشته‌ای خاص متصور کرد؛ لذا بنا بر آنکه این مجلات آینه رسالات و پایان‌نامه‌ها و بیشتر پژوهش‌های معتبر رشته تاریخ در نظام دانشگاهی بوده، آمار مدنظر، سندی روشن برای رد ادعای حامیان جریان اول در گستردگی مدافعان «تاریخ بین‌رشته‌ای» در نظام آکادمیک رشته تاریخ است.

این آمار برعکس نشانگر آن است که همچنان گروه اول، بر امر پژوهش و آموزش سیطره فکری دارند و هر نوع تحولی در ساحت هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی دانش تاریخ را به‌منزله مرگ این دانش و عدم استقلال آن می‌پندارند و با استناد به تجربیات محدود و تعمیم آن به کل ساحت نظام دانشگاهی رشته تاریخ، سعی بر ارائه گزاره‌ای کلی بدون فکت معتبر دارند.

پژوهش حاضر، در هدف نهایی، ضمن معرفی جریان غالب بر نظام آموزشی و پژوهشی رشته تاریخ به‌جای مقصودپنداری آن در وضعیت بحرانی امروز این رشته، بر این دیدگاه است که به‌جای این تفکر نامیمون درون‌گروهی، وقت آن است که گروه‌های علمی دانشگاهی و افراد مطرح و متعدد هر دو جریان ضمن پذیرش بحران در رشته تاریخ از منظر معرفت‌شناختی، روش‌شناختی و هستی‌شناختی آن، با آگاهی از جریان‌های روز این علم در بُعد جهانی که لازمه آن ترجمه و معرفی این فرایندها به دانشجویان تاریخ است، ضمن برپایی سمینارها و همایش‌ها و میزگردهای تخصصی، به راه‌حلی برای برون‌رفت از وضعیت موجود دست یابند.

برگزاری ترم‌های تابستانه به‌منظور تقویت مطالعات میان‌رشته‌ای و مهارت‌آموزی دانش‌های مرتبط با اهداف اولیه رشته تاریخ، به‌مانند سندشناسی، نسخه‌شناسی، سکه‌شناسی، مهرشناسی و غیره از سوی گروه‌های دانشگاهی و انجمن‌ها و پژوهشکده‌هایی چون انجمن ایرانی تاریخ، انجمن ایرانی تاریخ اسلام و پژوهشکده تاریخ اسلام که نسبت به مراکز دانشگاهی آزادی عمل بیشتری دارند و همچنین برگزاری همایش‌هایی علمی برای بازنگری در ساحت‌های علمی دانش تاریخ، از قدم‌های اولیه عبور از این بحران موجود است که به‌عنوان بخشی از پیشنهادهای نگارندگان این مقاله مطرح می‌شود.

دانش تاریخ با گذر از تفریدی‌دیدن آن به‌مثابه علمی برای توصیف گذشته، قابلیت آن را دارد که به‌مانند دیگر حوزه‌های علوم انسانی، ضمن دارابودن ویژگی‌های یکتانگارانه خویش، با تجهیز دانشجویان و دانش‌آموختگان آن به فهم و استفاده از دانش‌های دیگر، به ابزاری برای ثبت، تحلیل و تبیین رویدادهای گذشته و حال امروز، جهت آینده‌نگری و آینده‌سازی، به

علمی کاربردی تبدیل شود؛ امری که لازمه آن همکاری درون‌رشته‌ای جریان‌های مذکور و همگرایی آن‌ها با یکدیگر در وهله اول و سپس با دیگر شاخه‌های علوم انسانی در مرحله دوم است.

نتیجه‌گیری

استفاده از روش، مفاهیم و نظریات دیگر شاخه‌های دانش انسانی، برای پاسخ‌دهی به مسئله‌ای تاریخی که دیگر نمی‌توان با روش‌های تحقیق اختصاصی رشته مذکور بدان‌ها پاسخ گفت، «تاریخ میان‌رشته‌ای» را به وجود آورده است. در ساحت نظام دانشگاهی رشته تاریخ در ایران به‌مانند عرصه جهانی آن صحبت از پذیرش یا مخالفت با همگرایی تاریخ با دیگر شاخه‌های علوم انسانی و دانش‌های کاربردی در دو دهه اخیر باعث ایجاد نظریات متعدد در این زمینه شده است. موافقان نظریه‌محور کردن علوم تاریخی و مخالفان آن‌ها که به ارجحیت روش «توصیف فربه» در پژوهش‌های تاریخی قائل‌اند، رویکرد مقابل را به تأثیرگذاری در ایجاد شرایط نامطلوب امروزی این رشته علمی متهم می‌کنند. پژوهش حاضر جهت بررسی ادعای دو دیدگاه متقابل درباره جایگاه «تاریخ میان‌رشته‌ای» در پژوهش‌های تاریخی، با هدف قراردادن جامعه آماری مقالات مجلات علمی پژوهشی مرتبط با گروه‌ها و پژوهشکده‌های گروه‌های تاریخی دانشگاهی کشور، به‌عنوان نمایندگان تاریخ علمی ادعاهای مذکور را با تکیه بر داده‌های قابل بررسی اعتبار سنجی کرده‌اند. ۱۶ مجله علمی پژوهشی تاریخی در یک بازه زمانی ۱۵ ساله، ۳۹۲۶ مقاله را به چاپ رسانده‌اند که از این میان بنابر تعریف مورد هدف این پژوهش درباره «تاریخ میان‌رشته‌ای» که تعریفی عام و مورد تأیید کلی بوده، صرفاً ۴۸۹ مورد از این مقالات، یعنی ۱۲/۵ درصد نسبت به کل مقالات، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای بوده‌اند. در بررسی تک‌تک این مقالات، همچنین جریان غالب، نه تسلط نظریه بر آن‌ها، بلکه استفاده از مفاهیم و روش‌هایی بیشتر مورد کاربرد بوده که نمی‌توان آن‌ها را مختص رشته‌ای خاص تصور کرد. بنابر آنکه این مجلات آینه رسالات و پایان‌نامه‌ها و بیشتر پژوهش‌های معتبر رشته تاریخ در نظام دانشگاهی بوده است، سندی قابل اتکا برای رد ادعای حامیان رویکرد توصیفی درباره گستردگی مدافعان و پژوهش‌های «تاریخ میان‌رشته‌ای» در نظام آکادمیک رشته تاریخ است. این آمار نشانگر سیطره جریان فکری مذکور بر امر پژوهش و آموزش نظام دانشگاهی تاریخ در ایران است که دیدگاه‌های استادان مطرح نیز آن را تأیید می‌کنند.

این تسلط نه‌تنها در سال‌های طولانی این سیطره، دست‌آورد روشنی برای برون‌رفت رشته تاریخ از این وضعیت نامطلوب نداشته، بلکه با ایجاد فضای «نظریه‌هراسی» و جداسازی علم

تاریخ از دیگر شاخه‌های علوم انسانی به بهانه یکتانگاری و حفظ استقلال آن، مانع تغییر روشمند در شیوه‌های پژوهشی و آموزشی رشته تاریخ شده است. نگارندگان پژوهش حاضر، با پذیرش طبیعی بودن اختلافات فکری در یک ساحت علمی، بر این نظرند که زمان گذر از تفردی‌دیدن موضوع و غایت علم تاریخ است؛ زیرا دانش تاریخ، دانشی فراگیر و در پیوند با گذشته، حال و آینده است که با توانمندساختن دانش‌آموختگان آن به ابزارهای تخصصی درون‌رشته‌ای و فرارشته‌ای قابلیت ثبت، تحلیل و تبیین مسائل جامعه انسانی را در دوره‌های مختلف آن برای کاربردی‌کردن بیشتر این علم دارد و بهتر آن است که دپارتمان‌های تاریخی به توانمندسازی علاقه‌مندان در دو حوزه مذکور با برنامه‌های مدون اقدام کنند؛ از آن جمله می‌توان برگزاری ترم‌های تابستانه با استادان معروف شاخه‌های مختلف علوم انسانی را پیشنهاد داد.

منابع

- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۷) «تاریخچه، چیستی و فلسفه پیدایی علوم میان‌رشته‌ای»، *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، (۱)، ۵۶-۳۷.
- حضرتی، حسن (۱۳۹۲) «تاریخ‌شناسی و مطالعات میان‌رشته‌ای، فرصت یا تهدید»، *مجموعه مقالات همایش تاریخ و همکاری‌های میان‌رشته‌ای، به کوشش داریوش رحمانیان، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام*.
- _____ (۱۳۹۹) «در باب مهم‌ترین وظیفه رشته‌ای مورخان»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، دانشگاه الزهراء (س)*، (۲۶)، ۸۷-۶۹.
- سولومون، رابرت. ک (۱۳۷۹) *فلسفه اروپایی؛ از نیمه دوم قرن هجدهم تا واپسین دهه قرن بیستم*، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: قاصیده.
- رحمانیان، داریوش؛ ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۹) «مکاتب تاریخ‌نگاری معاصر ایران»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، (۱۵۲)، ۳۳.
- صفت‌گل، منصور (۱۴۰۰) «تاریخ گروه تاریخ»، *در تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، به کوشش حسن حضرتی، تهران: دانشگاه تهران*.
- کریمی، بهزاد (۱۴۰۰) «خانه تاریخ در گفت‌وگو با بهزاد کریمی»، *اعتماد*، (۱۹)، (۴۹۷۶)، ۵.
- مصباحیان، حسین (۱۳۹۲) «فراسوی تاریخ در تاریخ»، *مجموعه مقالات همایش تاریخ و همکاری‌های میان‌رشته‌ای، به کوشش داریوش رحمانیان، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام*.
- ملایی‌توانی، علیرضا (۱۳۹۸) «آیا رشته تاریخ در ایران با بحران روبه‌رو است؟»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء (س)*، (۲۴)، ۲۵۵-۲۳۱.
- _____ (۱۳۹۸) «رابطه دانش اقتصاد با دانش تاریخ در برنامه آموزشی دوره کارشناسی

- رشته تاریخ»، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۸ (۲)، ۲۷۸.
- نجم‌آبادی، افسانه (۱۳۸۱) حکایت دختران قوچان؛ از یادرفته‌های انقلاب مشروطه، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۳) «ماهیت بین‌رشته‌ای علوم: در ضرورت همکاری و تعامل تاریخ و علوم اجتماعی»، تاریخ ایران معاصر، ۸ (۳۰)، ۱۸۲.
- هورن، تی. سی. آر؛ ریتز، هری (۱۳۹۵) «تاریخ و میان‌رشته‌ای: نقدی تاریخ‌نگارانه»، ترجمه سیدمحسن علوی‌پور و مجتبی فاضلی، مجموعه مقالات گفتارهایی درباره تاریخ و همکاری‌های میان‌رشته‌ای، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

مصاحبه‌ها

- مصاحبه نویسنده اول مقاله با اسماعیل حسن‌زاده، ۱۴۰۱/۰۵/۲۴.
- مصاحبه نویسنده اول مقاله با فرهاد دشتکی‌نیا، ۱۴۰۰/۱۱/۰۵.
- مصاحبه نویسنده اول مقاله با محسن رحمتی، ۱۴۰۰/۱۱/۲۵.
- مصاحبه نویسنده اول مقاله با سید هاشم آقاجری، ۱۴۰۰/۱۱/۳.
- مصاحبه نویسنده اول مقاله با علی محمد ولوی، ۱۴۰۱/۱۱/۳.
- مصاحبه نویسنده اول مقاله با سیمین فصیحی، ۱۴۰۱/۱۱/۵.
- مصاحبه نویسنده اول مقاله با حسن حضرتی، ۱۴۰۱/۱۰/۲۷.
- مصاحبه نویسنده دوم مقاله با عبدالرسول خیراندیش، ۱۴۰۱/۱۰/۲۶.

URL(s)

URL1.

<https://www.etemadnewspaper.ir/fa/main/detail/126576/%D8%AF%D9%81%D8%A7%D8%B9-%D8%A7%D8%B2-%D8%AA%D8%A7%D8%B1%D9%8A%D8%AE%E2%80%8C%D9%86%DA%AF%D8%A7%D8%B1%D9%8A-%D8%AF%D9%85%D9%88%D9%83%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D9%8A%D9%83/>

URL2.

<https://www.farhangemrooz.com/news/12383/%D8%BA%D8%A7%DB%8C%D8%AA-%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE-%D9%BE%DA%98%D9%88%D9%87%DB%8C-%D8%AA%D9%88%D8%B5%DB%8C%D9%81-%DB%8C%D8%A7-%D8%AA%D8%A8%DB%8C%DB%8C%D9%86>

URL3.

<https://www.farhangemrooz.com/news/57759/%D8%A2%DB%8C%D8%A7-%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE-%D9%81%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D8%B1-%D8%A7%D8%B2->

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۱ / ۲۱۷

%D8%AF%D8%A7%D8%AF%D9%87-%D9%87%D8%A7%DB%8C-
%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE%DB%8C-
%D8%A7%D8%B3%D8%AA

URL4.

www.farhangemrooz.com/news/57759<https://www.farhangemrooz.com/news/57759>

/%D8%A2%DB%8C%D8%A7-
%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE-
%D9%81%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D8%B1-%D8%A7%D8%B2-
%D8%AF%D8%A7%D8%AF%D9%87-%D9%87%D8%A7%DB%8C-
%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE%DB%8C-
%D8%A7%D8%B3%D8%AA

URI5.

<https://mardomnameh.com/blog/%D9%85%D8%B9%D8%B1%D9%81%DB%8C-%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87/P1121-%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%A7%D8%AD%D9%85%D8%AF-%D8%A7%D8%B4%D8%B1%D9%81.html>

URL6.

<https://www.mehrnews.com/news/5099303/%D9%85%D9%88%D8%B1%D8%AE%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D8%A7%DB%8C%D8%AF-%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE-%D8%B1%D8%A7-%D8%A8%D8%B1-%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D8%B3-%D8%B1%D9%88%DB%8C%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%BE%D9%88%D8%B2%DB%8C%D8%AA%DB%8C%D9%88%DB%8C%D8%B3%D9%85-%D8%A8%D9%86%D9%88%DB%8C%D8%B3%D9%86%D8%AF>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

List of sources with English hand writing

- Aghajari, Hashem (2018), "Defense of democratic historiography", E'temād newspaper, 17th year, number 4387.
- Barzegar, Ebrahim (Winter 2017), " History, Quality, and Philosophy of Interdisciplinary Sciences", Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities, Year 1, Number 1, pp. 37-56.
- Hazrati, Hassan (2012), "History and interdisciplinary studies, opportunity or threat", a collection of articles of the conference of history and interdisciplinary collaborations, under the efforts of Dariush Rahmanian, Tehran: Research School of Islamic History.
- Hazrati, Hassan (2019), "About the most important professional task of historians", Historical perspective and historiography, No. 26, pp. 69-87.
- Horn, T.C.R., Ritter, Harry (2015), "History and Interdisciplinary: A Historiographical Criticism", translated by Sayyed Mohsen Alavipour, a collection of discourses about history and interdisciplinary cooperation, translated by Sayyed Mohsen Alavipour, Mojtabi Fazli, Tehran: Institute for Islamic History.
- Karimi, Behzad (1400), "Khane Tarikh in conversation with Behzad Karimi", Etemad newspaper, 19th year, number 4976, p.5.
- Mansoor Bakht, Ghobad (2013), Meeting about "Application of common theories of humanities in historical studies", available on Farhang Emrouz website.
- Mansoor Bakht, Ghobad (2017), Meeting about "Disciplinary Task of Historian", available on Farhang Emrouz website.
- Mesbahian, Hossein (2012), "Beyond history in history", a collection of papers of the conference on history and interdisciplinary collaborations, by the efforts of Dariush Rahmanian, Tehran: Research School of Islamic History.
- Molaei tavani, Alireza (2017), meeting "Disciplinary duty of the historian", available on Farhang Emrouz website.
- Molaei tavani, Alireza (2018), "Is discipline of History in Crisis situation in Iran?", Historical perspective and historiography of Al-Zahra University, 29th year, new period, number 24, pp. 231-255.
- Molaei tavani, Alireza (2019), a lecture in the "Historical Sciences and Social Responsibility" plan, available on Farhang Emrouz website.
- Molaei tavani, Alireza(2018), "Analyzing of economics place in educational programs of History's discipline to licentiate's degree from interdisciplinary researches", Socio-Economic History Research Paper, Research Institute of Humanities and Cultural Studies, 8th year, 2nd issue.
- Najmabadi, Afsaneh (1381), the story of the girls of Qochan; From the lessons of the constitutional revolution, Tehran, intellectuals and scholars.
- Nowzari, Hossein Ali (2013), "The interdisciplinary nature of sciences: on the necessity of cooperation and interaction between history and social sciences", History of Modern Iran, eighth year, number 30.
- Rahmanian, Dariush (2019), "Essays of Ahmad Ashraf", available on the website of Mardom-nameh dated 20 Bahman 1401: www.b2n.ir/k06589.
- Rahmanian, Dariush; Zakai, Mohammad Saeed. "Contemporary Iranian schools of historiography". Book of the month of history and geography, number 15, December 2019.
- Sefatgol, Mansour (1400), "History of the Department of History", in the book: History of the Faculty of Literature and Humanities of Tehran University, edited by Hassan Hazrati, Tehran: Tehran University Press.

Solomon, Robert C. (1379), " Continental philosophy sine 1750: the rise and fall of the self), translated by Mohammad Saeed Hanai Kashani, Tehran: Qaāeedeh.

interviews

Interview of the first author of the article with Esmail Hassanzadeh, 05/24/1401.

Interview of the first author of the article with Farhad Dashtakinia, 05/11/1400.

Interview of the author of the first article with Mohsen Rahmati, 25/11/1400.

Interview of the author of the first article with Seyed Hashem Aghajari, 3/11/1400.

Interview of the author of the first article with Ali Mohammad Valavi, 3/11/1401.

Interview of the first author of the article with Simin Fasihi, 5/11/1401.

Interview of the author of the first article with Hassan Hazrati, 27/10/1401.

Interview of the author of the second article with Abdul Rasul Khairandish, 26/10/1401.



©2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC- ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)



Interdisciplinary History and its Position in Historical researches¹

Somayeh Abbasi²
Hashem Malekshahi³

Received: 2022/09/01
Accepted: 2023/02/20

Abstract

Proponents of "interdisciplinary history" argue that the exploratory-descriptive approach as the main method in historical research in Iran is no longer capable of answering questions or clarifying the complex problems of human society. This approach has triggered discussions in historical scholarship that can be divided into three categories. This paper adopts a descriptive-analytical approach and attempts to determine the number of interdisciplinary articles in historical journals in Iran - as a representative of academic historiography - on the basis of a statistical survey in order to answer the question of "the position of interdisciplinary history in historical research".

In recent years, the advocates of the descriptive approach and those who believe in a "special work" in the historical approaches, although they had a relative dominance in the education and research in the field of history in all the years of the emergence of academic history in Iran and were even one of the main obstacles to the fundamental change in the curriculum of this subject in the years after the Cultural Revolution, prevented structural change in it by creating an atmosphere of "theory phobia" under the pretext of monotheism and maintaining the independence of history from other branches of the humanities. The statistics of 16 scientific-historical research journals in a period of 15 years, which have published 3926 articles, show that only 489 of these articles are "interdisciplinary history" research. The low number of interdisciplinary articles and the widespread non-use of theories in these studies, as the most important statistical data of this research, is a proposition contrary to the claim of the aforementioned trend, about the superiority of the supporter of "interdisciplinary history" over the Academic atmosphere of this field.

Keywords: Interdisciplinary history, Interdisciplinary studies, Historical research, Scientific research publications in history.

1. DOI: 10.22051/hph.2023.41535.1626

2. Ph.D in History of Islamic Iran, Faculty of Literature and Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran . somayehabbasi179@yahoo.com

3. Ph.D student in History of Islamic Iran, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Lorestan, Iran. hashemmalekshahi@gmail.com

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507